

ط	طرحیا بیل همطیو کشء مقدر مشطء	ظ
غ	سلكفیل شقطفء سقطفف لكفف هو طء	غ

وهذا صفت اسماء قسم الجامع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الْقُدُّوسِ وَهُوَ الطَّاهِرُ الْعَلِيُّ هَتْلُجْ هَتْلُجْ الْقَاهِرُ
 رَبِّ مَهْلُجْ بِشَلْصَاءِ الدَّهْوَرِ وَالْأَرْمِينِ مُقَدِّرِ الْأَوْقَاتِ
 وَالْإِمَكْنَةِ أَبَدِي لَا يَجُولُ صَاحِبِ الْغَزِّ الشَّامِخِ وَالْجَلَالِ
 الْبَازِخِ الَّذِي أَحْتَجِبُ بِالْأَنْوَارِ وَتَعَزَّرَ بِالْإِقْتِدَارِ ذُو الْمَلِكِ
 وَالْمَلَكُوتِ وَالْقُوَّةِ وَالْقُدْرَةِ وَالْجَبْرُوتِ بِأَسْمَائِهِ أَرْهَوَكُمْ يَازِ
 ذَالِ الْأَرْوَاحِ النُّورَانِيَّةِ الرَّوْحَانِيَّةِ الْمُنْفِيَّةِ عَلَى طَاعَتِهِ هَذَا
 الْأَمْرُ مِنَ الْجَلِيلَةِ الْمُبَارَكَةِ بِطَفِ هَمْطَفِ هَامِثِفِ هَيْثِفِ
 طَهْهَفِ مَهْلِبِطِ مَهْلِبِفِ طَهْهَوْرَةِ هَلْبِطِ رَجَبِطِ
 طِيَهْوَبِ هَيْثِفِ لِحْطَطِفِ هَيْثِفِطِفِ أَنَا زَكَلْ شَيْ مِنْ نُورِهِ
 وَهَيْثِفِ رَاهِفِ شَكَلْشَهْمَبِ شَكَلْشَهْمَشِ مَلِكِ كَلِ
 جَبَّارِ وَمُسْلَطَانِ وَشَيْطَانِ طِيلُوفِ طَهْرَبِثِفِ هَسِبِ بِهِ
 الشَّدِيدِ الَّذِي خَضَعَ كُلَّ شَيْءٍ لِأَسْمِهِ طَرْفِقَشِ هَلْشِ

رَبُّطَشٍ غَالِبٍ كُلِّ مَنِيٍّ فَلصَّبِحْتَهُ هَلْمَا لَيْغٍ اسْلُبُونَ
 اسْلَبُوا خَوْعًا خَوْعًا عَشٍ خَوْعًا خَوْعًا شَهْبَانِغٍ
 شَعْرُوصٍ اسْطَمَطَاخٍ اَنْتَ بِنُوعٍ حَيَاتٍ كُلِّ رُوحٍ
 نَجْشَطَطِينَ نَجْشَطَطِيَانِ نَقِ نَقِ نَقِ مَاسِمِعِ اسْمِكَ رُوحٍ
 وَعَصَاهُ الْاِصْبَعِ وَاخْتَرَقَ شَمْعًا نَجِ حَطَّطَطَهَ اجِبِ
 يَا طُونَايِلَ وَيَا غَلَشِيَايِلَ وَيَا طَفِيَايِلَ وَيَا عَصَطِيَايِلَ
 هَذِهِ هَذِهِ الْاَسْمَاءُ الَّتِي اطَاعْتَهَا وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ رُوحٍ
 وَرُوحَانِي وَجِسْمَانِي اَزْجُرُوا رُوحَانِيَةَ الْجَلْبِ وَتَوَكَّلُوا
 فَصَفَّفَ بَكْدَا بَكْدَا وَازْجُرُوا رُوحَانِيَةَ الْمَرْجَةِ بِطَابَعَةٍ
 الْارْبَعَةِ حَتَّى يَأْتِيَ اِلَى تَمَكَّانٍ اسْرِعُوا مِنْ طَرَفَةِ الْعَيْنِ ذَلِيلًا
 خَاضِعًا اِلَى مَحَبَّةِ هَفَفَفٍ بَكْدَا بَكْدَا نَمِ
 وَهَذَا اَسْمَاءُ الْيَتَاقِ

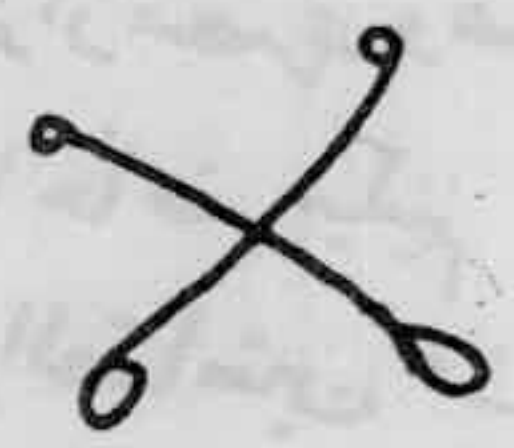
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِهَوْبَهَا هِبَةٍ فِي رَوَابِ اَهْرِي بِهِرٍ بِرَبِّكَ فِلصَّبِحْتَهُ مَكِّنِ
 طَلَلْتَفَلِ كِيُوْرَشِي مِيُوْرَشِي هَنْطَطَشُوْ مَنَاءَ مَنَاءَ
 مَنَقِيَهُوْبِ مَطْمَسَهَبِلْكَتَهَفِ هَطْمَهَسَلْكَتَهَفِ
 مَطْمَسَهَبِلْكَتَهَفِ طَهَبُوْرَهَ مَوْحِلِ بِهَرِ مَهَرِ هُوْرِ

هَمَّتْ حَيْثُ تَعُوبُ إِلَهٍ يَا هَيْهَذَا لَوْحٌ شَمْسِيٌّ وَقَائِدٌ هُوَ
 هَقٌّ إِلَهٍ يَا هَيْلُوحٌ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي أَنْتُمْ مُسْجُونِينَ
 بِقُوَّتِهَا وَمَسْجُورِينَ بِفَهْرِهَا وَلَيْسَ لَكُمْ تَصَرُّفٌ فِي
 أَنْفُسِكُمْ حَتَّى تَقْضُوا حَاجَتِي هَذَا أَنْظُرُوا لِمَنْ تَنْشَلُونَ وَخُذُوا
 بِنَوَاصِي هَذِهِ الْأَرْوَاحِ دَعْوَتَهُمْ فَلَا يَفْذِرُوا وَيَتَحَرَّكُوا
 حَرَكَةً لَا أَنْفُسِهِمْ طَرْفَةً عَيْنٍ حَتَّى يَحْضُرُوا بِكَاشِفُونِي وَ
 يَفْعَلُوا مَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ بِفِدْرَةِ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الْكَرِيمِ وَفَهْرِهَا
 الْعَظِيمِ الْمَمْلُوكِ مِنْ لَا يَطِيعُهُ الطَّاعَةَ الْخَضُوعَ الظُّهُورِ
 قَبْلَ نَفَارِ الدَّعْوَةِ وَتَمَامِ الْكَلِمَةِ فَت

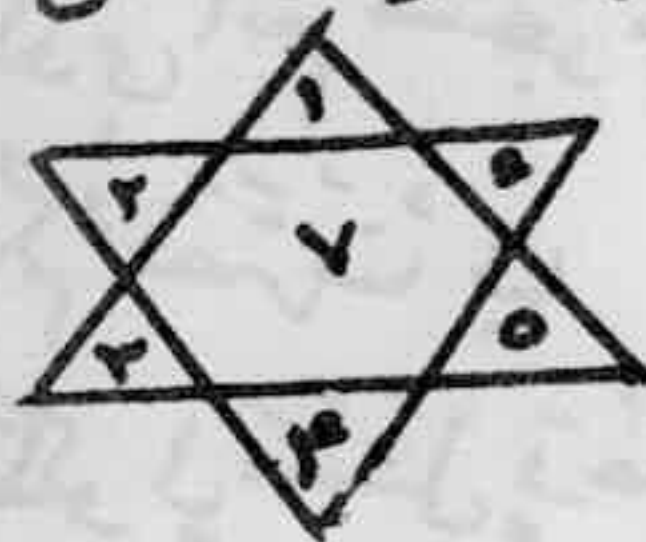
فصل پنجاه و یکم در بیان احضار و غیره

در بیان احضار آئینه و آن چند قسم است و این قسم را
 برای شما مختصر بیان کنیم و آن باین ترتیب است بیارد آئینه
 مدور و برکنار او این شکل را در گوشه آئینه بنویسد با خواندن
 آیه الکرسی نوشته شود و آخر آیه سوره شوری
 وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا نَاخِرًا آيَةَ الْا
 اِلَى اللَّهِ تَصْبِرُ الْأُمُورَ وَرَوَى نَاخِرًا بِحَقِّ ابْنِ
 شَكْلًا رَابِعًا نُوَشْتَه مَثُورًا بِاِخْوَانِدُن سُوْرَةُ بَسِّ نَا بِيْن هَفْ

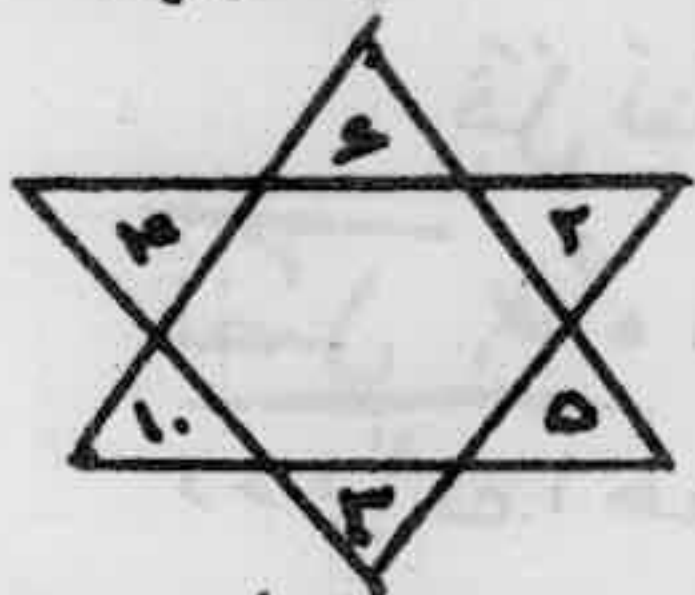


هفت مرتبه نیت هر کس حاضر شود بوسیله بچه نابالغ با طهارت کامل

و اینست نسخه دیگر در احضار این شکل را بر ناخن طفل نابالغ بنویسد و سوره یس را بخواند تا آخر ۷ مرتبه بخواند به نیت



هر کس حاضر شوند و بعد بارو عن زیتون بمالد و نکذار خشک شود به بچه بگوید نگاه به ناخن نماید و سؤال و جواب نماید اینست شکل و بگوید این اسمارا یا اروائیل احضرا اطفایا



اطفاییل احضر یا اروائیل احضر یا هسکائیل احضر یا دروائیل احضرو یا ارواح یا بدوع یا افتاح بلا مفتاح

افتح لنا بحق ام موسی احضرو یا ارواح برحمتک یا ارحم الراحمین اینهارا برای خالی نبودن کتاب درج کردم و انشاء الله مفصل کتاب مخصوص در باب احضار روح باقسام مختلفه از مصری و هندی و غیره خواهم نوشت و بعضی ادعا میکنند که ما حاضر میکنیم اوقت معلوم میشود ان الله يعلم ما فی صدور الصّٰمّٰتین و از ذخائر این مثلث را علم در شرف عطارده که ۲۸ میزان است بنویسد و با خود دارد علم و هوشش و حافظه اش زیاد شود

در بیان بعضی از اعمال متفرقه احضار ۳۰۹

فائده در تسخیر ارواح اگر خواهی که
قضای حاجت کسی را نمائی و ارواح را
به بینی باید که سه روز روزه بگیری
و در آن سه روز هر روز ۵۳۳

۳۰	۹۰	۲۰
۷۰	۵۰	۲۰
۶۰	۱۰	۸۰

نوبت این عزیمه را بخواند عزیمه اینست بَسْطِطِجْ سَطِطِجْ
بَسَلَطِجْ سَطَطِجْ بِمَكْرُنْ بِمَجْنِ ارْقَاشِ شَمَلِجْ لِبَاخِ شِرَامِجْ
اَحْدَاجِ بَتَلَا اِحْبِ يَاطْفَا طَفَا قَوَاشِ اَنْزَلْ بِمَجْنِ هِنِهْ
الْاَسْمَاءِ الَّذِي اَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ اَنْزَلْ يَا أَيُّهَا الْاَرْوَاحُ الرُّ
الْوَحَائِدِ بِالَّذِي هَدَيْكُمْ وَالْبَتِّمُ فِيمُ وَأَنَّهُ لَنْتَمَّ لَوْ تَعْلَوْفَ
عَظِيمِ وَأَنَّهُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِلَّا تَعْلَوْ عَلٰی وَا تَوْبٰی
مَلٰئِکَیْنِ عَوْرٍ وَّمَشْکِ بِجَوْرِ بَسُوْرَانِدْ مابقی را در صفحه بعد ملاحظه
نوع دیگر از تسخیر جن و ریاضت آن هفت روز است باید که
خطی مدور که او را مندل گویند بکشد و در این هفت روز
مشغول باشد و جوان نخورد و بخورد بسوزاند و هر روز بدین
اسماء مشغول باشد و بخواند و چون روز هفتم شود ظاهر شوند
بروی از عالم ارواح علوی و سفلی و مکاشفات نجیبی دست دهد
و هر مشکلی که دارد آسان شود و حضور اشخاص روی دهد
و آنچه خواهد چنان شود و عزیمه اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

یا طهسوسا یا شهسوسا یا شیخوسا یا شبعبوسا یا مقطیثا
 یا شیخوسا یا مقلیثا یا محلیثا یا علیلیلا لیا یا ارحم الراحمین

در تفسیر بقره

نوع دیگر طریق خواند آیه نوز باید که باید اتفامی بخواند هر روز
 باین طریق که اول دوازده بار قل هو الله احد را بخواند و دوازده
 بار هم انا انزلنا و شروع کند بخواندن آیه نوز در صحرائی یا در
 اوطاق خلوتی و پیشی برآمدن آفتاب بخواند و هرگاه آفتاب بر
 نیامده باشد دوازده عدد از آنکاه دارد تا آفتاب در آید که
 ستر عالم بر آن کشف شود که باین نداشته باشد و عدد
 خواندن آیه مبارکه روزی ۱۲۴ مرتبه است در مدت چهل

روز هر روز بخواند الله اعلم

نوع دیگر دعوت اسم باسط بطریق دیگر بعد از نماز عشاء سوره
 وَالضُّحَى را پنجاه مرتبه با بسمله بخواند و بخوابد به پهلوئی راست
 منقبله قبله شده آنکاه وَالضُّحَى وَاللَّیْلِ وَالْمُشْرِحِ وَو
 التین را با بسمله هر یک را هفت بار بخواند و نیت کند که
 خداوند دعوت اسم باسط مجزاهم بکنم آنچه در علم قدیم
 تراست مراد خواب بشارت ده و بعد به پهلوئی راست
 بخواند آنچه بشارت یابد بدان کار کند اگر رخصت یابد
 بدعوت مشغول شود و اگر نه چند روز صبر کند و دعا

اینست اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ بِهِ
أَعْلَمُ در دعوت جمیع اسماء این عمل را بکند و بموجب رخصت مشغول
 شود والله اعلم مقررات این عمل در صفحه ۲۰۹ رشته شده
 و این اسماء را بر دور آئینه فولاد نقش کند شِكْشِبًا هَيْعًا سَلْمُونَ
سَلْمُونَ بِأَسْمَاءِ الْحَفَظَةِ بِقَطْرَاتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ سَنَبُوءَ
سَانُورٍ بَعْصَايِ مُوسَى بِأَسْمَاءِ هَرَمَسِيٍّ بِمِيَامِنِيَّا مَمْلُوءِ
 ریش و نقاش با طهارت باشد و هر گاه خواهد حاضر شود
 آئینه را در دست گیرد و هفت بار عزیمت را بخواند حاضر شود
 بی شک و تجربه شده است والله اعلم

طَرِيقَتِ خَمْسِ سُوْرَةِ يٰسِينَ در خواص سوره یس نوشته شده در
 میان نماز شام و عشاء هفت نوبت بخواند پس از آن هفت مرتبه
آيَةُ الْكُرْسِيِّ بعد از آن هفت بار سوره قل اعوذ برب الناس بعد از آن
 ۷ نوبت هم سوره قل اعوذ برب الفلق را بخواند و بر دور خود خطی
 بکشد و بعد از آن چهار قل را بخواند و بر چهار طرف خود بدمد بعد از
 آن چهار رکعت نماز کند و نیت باین طریق کند و در رکعت اول بعد
 از الحمد چهل مرتبه سوره وَاللَّيْلِ بخواند و در رکعت دوم بعد از الحمد
 چهل مرتبه سوره اللَّهُمَّ الْتَكَثُرِ بخواند و در رکعت سیم بعد از الحمد
 چهل مرتبه سوره قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ را بخواند و در رکعت چهارم

بعد از الحمد چهل مرتبه سوره قل اعوذ برب الناس بخواند بعد از آن شروع کند بخواندن سوره مبارکه یس چند آنکه تواند بخواند و اصل خواندن اینست که جوانی نخورد تا سه روز روزه بدارد و بعد از آن مشغول عمل شود که دو نفر موکلند بر این سوره یس آنها بصورت مار یا جانور دیگر پیدا شوند و دو عدد اشرفی آورده شود عامل اندازند بر مدعا بران اشرفی ها را بردارد اولی را نگاه دارد و دومین را بر طرح کند که باز معاودت به نزد عامل نماید و این عمل را در ساعت سعادت ایضا ختم بدر حضرت خضر ۳ که او برای جمیع بسته کیمیا خصوص برای درهای بسته و ختم این چهل روز است و این دو اسم است باید که تا هم ختم کنند اولاً تابیت و بکرز یا ضاکیاً یا جن اوی ثانیاً ۹ یوم یا ملکیا جن ابد ثالثاً الی ده روز یا ملکیا یا بو خود جمله ختم چهل روز است و هر روزی دو اسمی را که ذکر شده است صد بار باید خواند

ایضا من جهت حوائج مشروعیه اسم اعظم یس را به تنهایی هزار بار بخواند و در مرتبه آخر یس را تمام بخواند و بهر مبین که بوسی مطلب را بخاطر بگذارد تا آخر هفت مبین که بر آورده می شود انشاء الله مجرب و از موده است

وایضا بجهت مطالب عظیمه صد بار بگوید طه و یکبار سوره

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدًا را بخواند باز صد مرتبه بگوید طه و بکرته
 قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدًا را بخواند تا هشت بار هیکه هشت مرتبه توحید
 و هشتصد بار طه بوده باشد بعد از آن هفده بار سوره قل هو
 الله احد را تا آخر بخواند انشاء الله تعالی مطلب برآورد میشود
 بی شک و از موده و مجرب است

ایضاً ختم دیگر از کتاب افاشیح علی نوشته شده از جفری مع
 استخراج شده هر که این کلمات را بنفصیلی که ذکر میشود
 هر روز باین اعداد بخواند از عم و هم وزج باید و بسیار مجرب
 است المص آ المزا آ الرا آ کفیتصن ۲۹
 طه ۱۲ طسم ۱۲ طس ۹ بین ۱۰ من ۴

و ایضاً تجربه رسیده آنکه در هر روز خواندن ایند مبارکه
 وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ اِلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا مَرَّبه بامه مرتبه
 خواندن صلوات مقدّمات مؤخرات موجب وسعت ارزاق و کفایت
 مهمات و فتح اخلاق خواهد بود انشاء الله
 و نوع دیگر گفتن یا فتاح را بعد از نماز صبح بلافاصله در
 حالیکه هر دو دست را بر سینه گذارد هفتاد مرتبه بجهت نو
 نوزائنه دل و کتابش امور و کفایت مهمات بسیار مفید
 خواهد بود و گویند هر که شب جمعه بعد از دو رکعت نماز در سجده

صد و پنجاه بار بگوید یا قَتَّاحُ حَقَّابِقْ اَمُورٌ كَمَا هِيَ اِزْ بَرَايْ اَوْ ظَا هِر
 كَرْد اَيْضًا مَرْوِيْت هِر كِه يَا وَهَاتَبِكْ صَد مَرْتَبَه رَدِصْف
 اِخْرَشِب دَر عَالَتِي كِه سِر بَر هِنْد رَا سَتِيْن بِالَا رَزْدَه وِر دُو بَقْبِلَه نَابَشْد
 بِجَمْعَت حَصُوْل تَوَانَكْرِي مَعْبُد اِسْت وِ بَعْضِي كُوِيْنْد اَكْر دَر زِيْر اِسْمَان
 بَابَشْد وِ هَمِيْنِيْن صَد وِ سِي مَرْتَبَه بَكُوِيْد قُوْتِي نُو دَر اَثْر خَوَاهْد بُوْر اِظَاهِر
 فَوَائِدَه دِيكْر دَر جَوَاهِر مَكْيُوْنَه اَوْرَدَه مَنقُوْل اِسْت كِه اِزْ بَرَايْ اَنْجَابِ
 دَعَا وِ قَضَاءِ حَاجَت وَاغْنِجَاحِ تَمَنِي رُوْر جَمْعَه دُو رَكْعَت نَمَازِ بِيْجَا بِيَاوَرْد
 دَر هِر رَكْعَت بَعْد اِزْ هَدَايَةِ الْكُرْسِيِّ بِكْ دَفْعَه رَسُوْرَه تَوْحِيْد
 دُو اَزْدَه مَرْتَبَه وِ بَعْد اِزْ اَتْمَامِ سُوْرَه تَوْحِيْد دَر رَكْعَت اَوَّل وِ هَم
 دَر رَكْعَت دُوِيْمِ هَشْتَاد مَرْتَبَه بَكُوِيْد اَحْدِي صَمْدِي وِ بَعْد اِزْ فِرَاغِ
 اِزْ نَمَازِ بَر خِيْزِه وِ بَد وِ قَدَمِ بَايَسْتَد وِ فُوْر دُوْنَه بَار بَارِي نَعْمَ رَا
 بَخَوَانَد بَعْنِي نُوْر دُوْنَه بَار يَا اللهُ بَكُوِيْد اِنَّتُمْ تَعْمُ حَاجَت اُوْر رَا اِسْت
 اَيْضًا دَر كِتَابِ نَفَائِسِ الْفَنُوْنِ اِزْ شَيْخِ سَعْدِ الدِّيْنِ هُوِي رَا دَر
 كِتَابِ زَبْدَه اَوْرَدَه اِسْت كِه هِر كِه دَر شَب چَهَار دَهْم مَاه دَر اَنْ
 وَقْت كِه مَاه بِيْمَان اَسْمَان بَرَسْد وِ ضَوْءِ بَا زَرْد وِ دُو رَكْعَت نَمَازِ
 بَكُوِيْد دَر هِر چَه خَوَاهْد اِزْ قُرْآنِ دُوْر دِ بَخَوَانَد وِ بَعْد اِزْ سَلَامِ اِيْن
 دُو آيَه اِزْ بِيْسِ بَخَوَانَد كِه وَالْفَرَقَ قَدَرْنَا هُ مَنَازِلَ حَتَّى عَادَ كَا
 لِعَرْجُوْنِ الْقَدِيْمِ لَا الشَّمْسُ يَفِيْنِي لَهَا اَنْ تَدَّكَ الْفَرَّ وِ

وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ پس سجده کند
و بگوید اَسْمِعْ بِاللَّهِ عَلَيْكَ بِالْإِسْمِ الْأَخْضَرِ وَالْأَقْمَرِ وَالسَّبَّحِ
الْمَلَكُونَ الْمُخْرَجُونَ فِيهِ هَرَجَاتِي كَمَا جَوَّاهِدَ دَرَمَاهُ أَوَّلَ يَأْسِمِ
يَا نِعْمَ يَا هَفْتَمَ رَوَاهُ شَرِيفُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

طریقتی من ذخائر قیل اذا اردت ان تعلم ان المال المنسوب
والمسروق يعود ام لا فانظر الى اليوم الذي نصب فيه ثم عد
من اول الشهر الى ذلك اليوم على حسب الشهر العربي فاول يوم
من ايام عليه السلام والثاني حواء عليها السلام والثالث ابليس
لعنه الله ثم عد على هذا حكم الشهر كله فاذا جاء ايام فهو يرد لا محالة
وان جاء حواء فهو يرد بعد مدة وان جاء ابليس فهو لا يرد ابداً
من ذخائر نبيه از فوائد سورة الحمد انه من كانت له الى الله
تم حاجة قد عظمت عليه فليقرأها بالترتيب والترتيب في ايمان
وتصديق سبع مرات وهو مستقبل القبلة على وضوء كامل بحضور
قلب بعد صلوة ركعتين تقرأ في كل ركعة بعد الفاتحة سورة الا
خلاص ثلاث مرات ويثاب الله ثم حاجته قضيت في أسرع وقت
انشاء الله نعم ان كان الوقت ليلاً فاصبح الا وقد قضيت حاجته
في أسرع وقت وان كان نهاراً فابمس الا وقد قضيت تلك الحاجة
وذلك بفضل سورة الفاتحة وبوكانها وذلك بفضل الله ثم والله

برزق من بشاره بغیر حساب
 ایضاً من ذخائر و فیہ من کتب حروف اسم اللہ تعالیٰ یعنی الرحمن و
 حروف اسم الجلالۃ فی اثناء تطیف و محاسبات و در او ماء زمزم او
 او ماء المطر و شربہ علی الریق ثبت الایمان فی قلبہ و نور قلبہ حتی
 بری المغیبات فان دأوم علی ذلك اربعین صباحاً یکن له شان عظیم
 ویصیر من اهل الکشف بمرکة هذه الاسماء

من ذخائر نفیہ طریق ختم آیه مبارکہ نور مجتہد کشف علوم غامضه
 القیہ و افاضات خاصه سبحانیه و منامات صادقه رحمانیه خصوصاً
 شرفیاب شدن حضور موفور السورائمه انام علیهم السلام بدین
 کونہ است در اربعین اول چهارده مرتبہ صلوات بفرسند بحضور
 قلب کہ کو یا خدمت محمد و آلہ محمد صلوات اللہ علیہم نشسته است
 باکمال خضوع و خشوع سر برهنه نموده در زیر آسمان چهارده
 مرتبہ آیه مبارکہ را تلاوت نماید و بعد ازان چهل و یک مرتبہ صلوات
 بفرسند و اگر ممکن نباشد یا خوف ضرر داشته باشد از زیر آسمان
 بودن در حجره هم خوب است و در آن مکان قدری بخوابد و ابتدای
 شروع در روز یک شنبه باشد و فرزاید النور روز اول غسل
 کند و با غسل مشغول تلاوت گردد و دانسته باشد کہ این طریق
 صعب است هر کہ مشغول گردید در زمان اشتغال خوابهای

غریبه مجیب خواهد دید و پروازها خواهد کرد و بدریاها خواهد
افتاد و در دریاها ی عظیمه غوطه ور خواهد شد و اصوات
موخسه خواهد شنید و در ابتدای اشتغال قاری را خواهند
ترسانید و اگر از ترس منزجر نگردد معلوم چند مثل کیمیا و سمیما
ولیمیا نوید خواهند داد بلکه بنکویند اگر خواسته باشی و عاقبت
هر که بخواهی مطلع شوی خواهی شد قاری خالص و مرید مخلص
باید دل از اینها بر کند و بانها دل بندد تا مراد حاصل شود و بگوید
که بجز رسیدن موالی خود داعی و اراده ندارم تا انگاه او را داخل
بامی خواهند نمود و استادان فروره اند پیش از این نیاید گفت
خلاصه مطلب آنکه دران باغ قصری خواهد بود و طالب بحسب
استعداد و قابلیت و ریاضت بمطلوب خواهد رسید و هر که طالب
شد و سیر کرد آنچه را دید و با و گفتند بکسی نگوید و اگر خواهد
اورا ترقی دهند در رابعین ثانی آیه مبارکه را ۳۸ مرتبه بخواند
و صلوات مقدمین بخواند و در رابعین ثالث آیه مبارکه را بعد
حروف مکتوبی آیه مبارکه و در رابعین رابع بعد لفظ نور در عده
جمل ۲۵۶ بخواند و او را در مختصه باین سلوک این امت که در
ما بین العشاءین این دو کلمه مبارکه را که مَصَّصَ ۱۹۵ و مَصَّصَ
۲۷۸ مرتبه بخواند و این طریقه را نسبت بر حرم اخوند ملا محمد علی

مشهور بآبی ره میدهند عملاً و تجربتاً رسیده
 فائده در بخار افوار آورده در طریق نماز حاجت آنکه از حضرت
 رسول صلی الله علیه و اله مروی است اینکه کسی که در روز پنجشنبه
 چهار رکعت نماز بجای آورد در قرائت کند در رکعت اولی سوره
 حمد را یک مرتبه و یازده مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت
 دوم یک حمد و بیست و یک مرتبه قل هو الله احد را بخواند و در
 ثالث سوره حمد یک مرتبه و سی و یک مرتبه قل هو الله احد و
 در رابعه سوره حمد یک مرتبه و چهل یک مرتبه قل هو الله احد
 و در هر دو رکعت یک سلام باشد و چون از سلام رکعت چهارم
 فارغ گردید پنجاه و یک مرتبه سوره قل هو الله احد را بخواند و
 پنجاه و یک مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد بعد از آن بسجده
 رود و در سجده بگوید یا الله یا الله صد مرتبه بگوید و دعا کند
 با نیجه خواسته باشد و آن حضرت فرمودند کسی که این نماز را بجا
 آورد و بگوید این قول را هر گاه از خدا بخواد زوال کوه ها را
 هر اینه زایل خواهد شد یا نزول باران را هر اینه نازل خواهد شد
 و اینکه حاجی میان او و میان خدا نخواهد بود و اینکه خداوند نعم
 هر اینه البته غضب خواهد کرد بر کسیکه این نماز را بجا آورد و حاجت
 خود را سؤال نکند تن

فائده هر کس این شکل را نوشته در ساعت معین که سعد باشد

۱۲۲	۷۹۹	۴۷۷	۹۵
۴۷۶	کتاب ۹۶	مجموعه ۱۳۰۱	۸۵۵
۹۷	انوار ۶۷۹	والذی ۷۹۷	۱۲۰
۷۹۸	۱۱۹	۹۸	۴۷۸

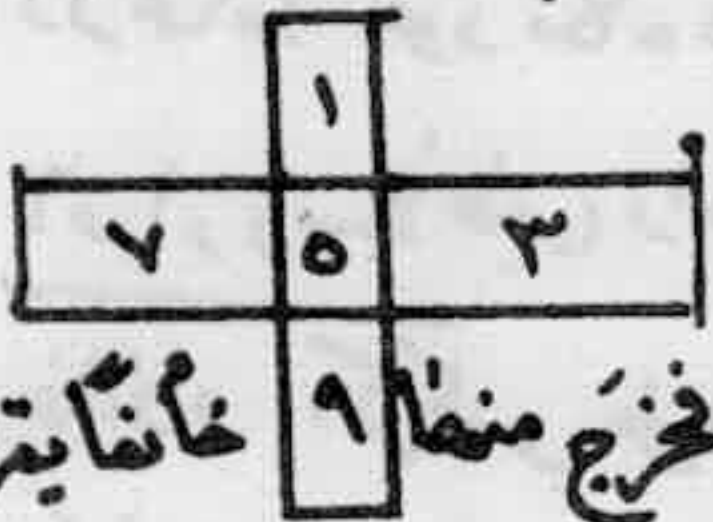
در عمامه خود نگاه دارد جلب قلوب
امراء و سلاطین را مفید خواهد بود

فائده اگر کسی خواهد از امر پنهانی
آگاه شود سه شب متعاقب وضو
سازد و در رکعت نماز گذارد و بعد

از نماز یک صد و پنجاه مرتبه ایسم علیم را تکرار نماید و با وضو
صلوات گوید تا در خواب رود از عالم غیب آن امر بدد نماید
نوع دیگر گویند از جریات است جهت دیدن مقصود در خواب
آن است که نویسی این کلمات را و بگذارد در دست و بجوای
ناجایب بینی بشرط با طهارت باشی بدن و رخت و فراش و
با وضو تنها بودن و نترسیدن و ایستادن بان در شب جمعه یا
شب دوشنبه یا شب پنجشنبه آن حروف باین قرار است
بطیطن و ش هار ماسار عبا عمو هو اس محصواد
طلسم رور و باید چشم های هار طار و او و عین و عین کفاره
باشد و پو نباشد و الله عالم

فائده گویند جهت اخراج این طلسم را نوشته آینه را در زیر
طلسم نویسد هر کس منظور باشد در زیرش گذارد هر کس

هر کس بالایش نشیند آورده شود که دیگر بونکردد و اگر باب



بشود و در حوالی باشد همان اثر

همان اثر دارد و اگر زیور دیوار دفن کند

نیز همان اثر دارد و این طلسم مذکور است

فخریج منقلا ۹ خانقایی ترف

فانده از ذخائر گویند این عزیمتی است مشهوره بعزیمت ام موسی

علیکم بجهت فتح جمیع بستیگها و فتوحات کلیه و جزیه میخوانند

و آثار عظیمه ببیند حتی جهت قفالهای بسته میخوانند کثوره میثو

و جهت تسکین درد اعضاء بسیار مجرب است بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

یا فتاح بلا مفتاح افخ لنا بحرمة ام موسی حر یا ث مر یا ث حر

شر یا ث شیثا ث کیرا ث کثنا ث تمغیف بو حایض نو حایض

نو حایض نو شاید یا جا مرت یا کافلنا یا راهلنا یا بختنا یا بختیه

بو خاد بنت لادی یعقوب علیه السلام یا بحر ی الفلک فی البحر

یا مره انک بالناس رؤف رحیم سحر لی کذا و کذا و آنچه خواهد

اسم بود که البته مجرب است انشاء الله نعم

ایضا ذخائر قضیه بجهت ظهور کم شده و آمدن غایب و عاقبت

کار خود و اشکار شدن معدن ها شب پخشینه در یک مجلس

دو هزار و صد مرتبه و اگر نتواند در بیست و یک مرتبه بخواند

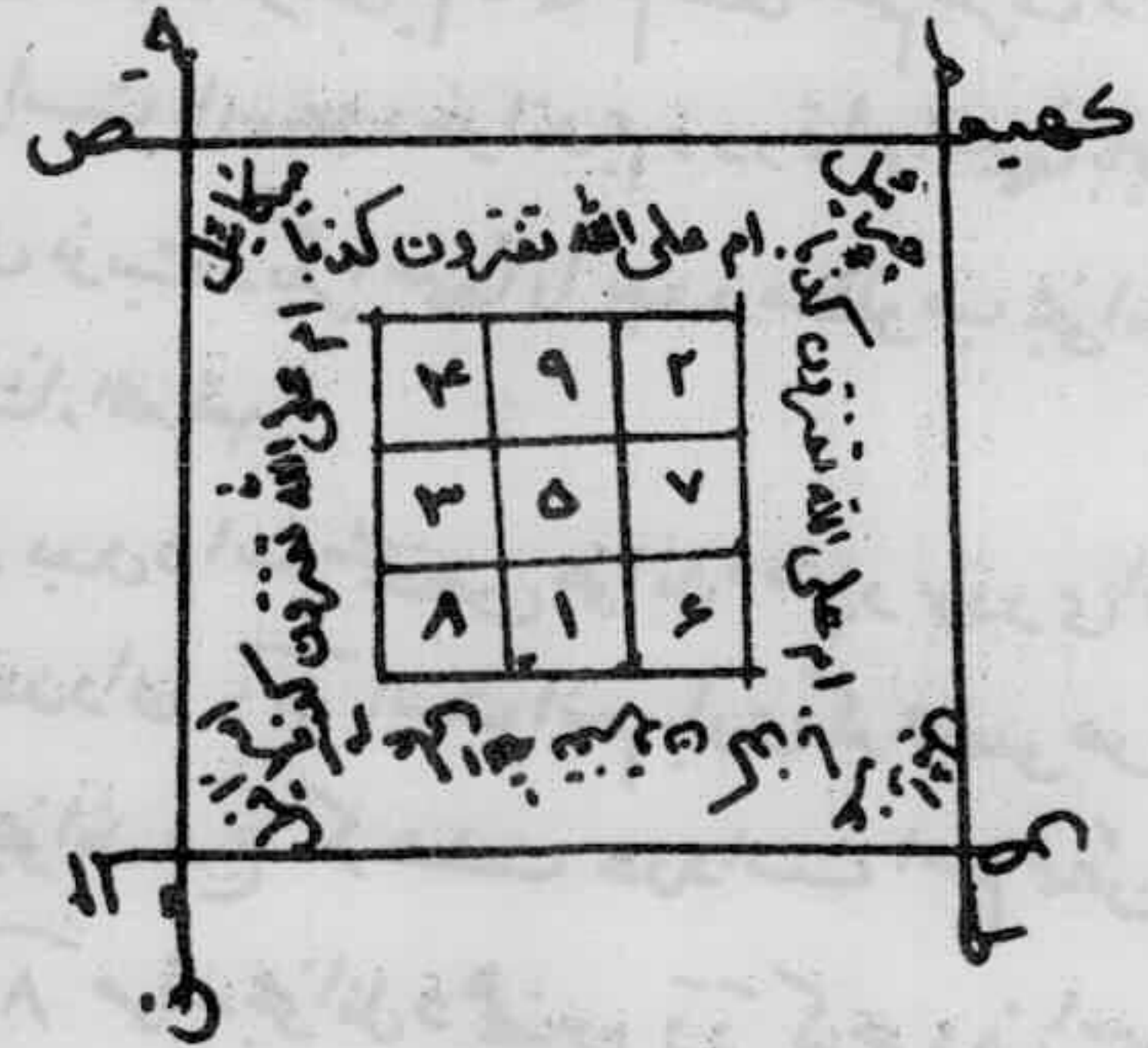
مقصود حاصل کردد یا در خواب یا در بیداری با دستاورد دهند

المر

أَلَمْ نَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ
إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

فایده گویند بجهت تفسیر و محبت و عقد الايمان این شکل را با خود
دارد بجهت است در سلامت سعد و نرسند

فایده دیگر اگر خواهی
کسی را از خورد و در کردانی
نه مرتبه سوره انا اعطینا
ک الکوث بخوانی و
در بجانب او بد می باختر
خود برود و اسم نعم
فایده از ذخائر فضیه
گویند در تفسیر عموم



خلق هر کس باشد از اعلی و ادنی از جن و انس ببیند که اسم
ان شخص چند حرف است بعد هر یک حرفی اسمی از اسماء ۲۸
کانه ۹۹ نام باری تو که مناسب و موافق حروف ان اسم است
بر دارد و بعد همان اسم بخواند مثلاً اسم ان شخص محمود است
خواهیم اسماء استخراج نمایم این اسم پنج حرف است هر حرف مکرراً
که میم است انداختیم چهار حرف باقی ماند مر ح و د اسم هر حرف میم

یا باری عدد آن در جل کبیر ۲۱۳ این اسم را باین عدد خواندیم
 باز بعد از این اسم حرف ح ممن است بعد روی ۱۴۵ عدد است
 این را باین عدد خواندیم اسم حرف وا و سلام است و ۱۳۱
 عدد است این را نیز بان عدد خواندیم تا تمام شد اسم حرف دال
 ملك است ۹۰ عدد است بان عدد خواندیم و در تمام اسمها باین
 طریق باید خواند و يك نوبت دیگر اسمها را بعد مطلوب بخواند
 که البته مستخرج کرد انشاء الله تعالی

فوق دیگر آن است که بعد از اسم شخص خوانده شود بر روی اثر
 میدهد مثلاً میم که عدد آن ۴۰ است اسم باری که مخصوص
 میم است ۴۰ مرتبه بخواند و ح که هشت عدد است اسم ممن
 که مخصوص او است ۸ مرتبه بخواند و همچنین و د که حرف اسم
 تمام شود که البته مستخرج شود باین الله تعالی و تفصیل حروف اسماء
 این است الف الله و ع ب ر ه ن ۲۹۸ ج ر ه م ۲۵۸
 د ملك ۴۹۰ ذ ذوس ۱۷۰ و سلام ۱۳۱ ن مؤمن ۱۳۶
 ح مهین ۱۴۵ ط عزیز ۹۴ ی جبار ۲۰۶ ک منکبر ۲۶۲
 ل خالق ۷۳۱ و باری ۲۱۳ ن مصور ۲۳۶ م الغفار
 ۱۲۸۱ ع فقار ۳۰۴ ف و قاب ۱۴ ص رزاق ۳۰۸ یخ
 فتاح ۴۸۹ و علیم ۱۵۰ م قابض ۹۰۳ ت باسط ۷۲

در بیان فوائد بعضی از اسماء حسنی ۳۲۳

ث حافظ ۹۸۹ خ رافع ۳۵۱ ز معز ۱۱۷ ض مدل

۷۷۰ ظ سمیع ۱۷۰ غ بصیر ۳۰۲ تم

فائده مرویت یکی از خواص آیه الكرسی آن است که هرگاه

بنویسند و بر استانه بالای خانه یا در کان یا در یزدند موجب غنا

و برکت و دولت خواهد بود و همچنین خواندن آن در هنگام

بیرون رفتن از خانه موجب حفظ از آفات و غنای بعد از مراجعت

است و ایضا خواندن آن باعث بر حصول اطلاع بر اسرار قرآن

شریف است و ایضا خواندن آن تاده روز روزی ده مرتبه

موجب دولت خواهد بود انشاء الله تم

فائده بجهت مقهوریت دشمن چهل مرتبه آیه الكرسی بخواند

چون بمابین در میم یعلم مابین ایدیم رسد آن دشمن را بنظر

آورد و خواندن آن نیز بعد مذکور بجهت کفایت سایر مهمات

مؤثر است بشرط بخاطر گذر آید مهم مطلوب در مابین دو

عین بشفع عینده و ایضا هفت مرتبه خواندن آن نمک طعام

و در طعام نمودن و اطعام آن بمطلوب دادن موجب محبت

شدیده ان مطلوب خواهد شد انشاء الله

فائده گویند هر که سه شب هر شب چهل مرتبه سوره مبارکه

انا انزلناه را بخواند از عالم غیب باو چیزی رسد و روزی او

و اسم کرد و مجرب تجرب است انشاء الله
 ذخائر نفیسه ختم سورہ مبارکہ اللہ شریح بجهت قضای حوائج
 که اثر عظیم دارد باین نحو است که در روز چهارشنبه ماه شروع
 کند تا هفده روز روزی هفده مرتبه بخواند و بعد از هفده مرتبه
 خواندن یک مرتبه دعای یا من فضل به و دعای یا منقصری مطلب
 الحاجات از صحیفه تجاریه بخواند مراد حاصل شود
 فایده دیگر از حضرت امام حسین علیه السلام مروی است که
 فرمودند که حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرمودند که جهت
 قضای حوائج جمیعاً تا هفت روز هر روز هر یک از این اذکار را
 هزار مرتبه باین ترتیب بخواند حاجت او روا شود و الا فرمای
 نیامت دامن گیرین باشد روز شنبه یا حی یا قیوم یک شنبه
 ایاک نعبد و ایاک نستعین روشنبه سبحان الله و الحمد لله
 سه شنبه یا الله یا رحمن چهارشنبه حسبی الله و نعم الوکیل
 پنجشنبه یا غفور یا رحیم جمعہ یا ذا الجلال و الاکرام
 فایده گویند بجهت محبت این دو مثلک را که یکی باسم طالب
 است و یکی باسم مطلوب نوشته و اسم طالب و اسم مطلوب بر
 بروی هم گذارند و در زیر مثلک گران نهند که از موده و مجرب
 است و این طلسم در چهار رکن آن بدوح نوشته شده بحروف

مطلوب

در بیان بعضی از اعمال متفرقه

۳۲۵

مقطعه و باید هر يك از اسم به وجع طالب و مطلوب را بعدد

۴	۵۴ ۱	۲
۲۷ ۲۱	مطلوب	۱۴ ۴۲
۸	۲۱۶ ۴۱۱	۶

۴	۵۴ ۱	۲
۱۲۷ ۲	طالب	۱۴ ۴۲
۸	۲۱۶ ۴۱۱	۶

د	منی	ب
علیک	نرجس مطلوب	محبته
۸	والقیت	د

د	منی	ب
علیک	علی طالب	محبته
ح	والقیت	د

در آوردند و آن عدد را بنویسند مثلاً اسم علی را باین نحو بنویسند
 ۱۲۷ و اسم نرجس را باین نحو ۲۰۵ ج س و هر گاه خواهند
 از غیر عدد نوشتند باین نحو باید نوشته شود انشاء الله تعالی

فائده هر که یا بصیرت را هر گاه در لوح بنویسند و با خود

دارد هر روزی که از خدا طلب
 نماید البته حاجت او روا شود
 و ایضاً و اگر میسند و در نوبت
 یا بصیرت بگوید حاجت او برآورده
 شود انشاء الله تعالی

ب	ص	ی	ر
ر	ی	ص	ب
ص	ب	ر	ی
ی	ر	ب	ص

نمونه بجهت تسخیر دو رکعت نماز پنجابیاورد و در رکعت اول
سوره حمد و یک مرتبه و آیت الکرسی و در رکعت دوم حمد و یک
مرتبه و این آیه مبارکه را بخواند که مجرب است عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ
بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ
فَعَّورٌ رَحِيمٌ و در قنوت هفتاد و هفت مرتبه بگوید اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ لِي فِي قَلْبِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ
كَمَا لَبِنتَ الْحَدِيدَ لِدَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَسَخَّرَ لِي قَلْبَهُ كَمَا
سَخَّرْتَ الرِّيحَ لِسُلَيْمَانَ عَمٌ و نماز را تمام کند که البته سَخَّرَ كَرِيمٌ
من ذخائر نفعیه این دعا را از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
مروی است فعلاً از رسول خدا صلی الله علیه و آله بجهت برکت
در عمر و بزرگاری و شتر خاسدان و اشترار و حفظ ازافات و
مضار حیوانات و غیرها بخوانند یا همراه دارند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ يَا بَدِيعَ الْحَبَابِ وَيَا مُشَدِّدَ الْعِقَابِ يَا غَفُورَ يَا رَحِيمَ يَا خَالِقَ
كُلِّ شَيْءٍ يَا فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى يَا
فَالِقَ الْأَصْبَاحِ يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا وَاوِيَّ
الْمُقِيبِ الْعَفْرَاتِ يَا مُعِیَّ الْأَمْوَاتِ يَا نُورَ الْأَرْضِ
وَالسَّمَوَاتِ يَا غَاثَ الْخَطِيئَاتِ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ اقض حاجاتي
في هذه الساعة يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَا رَجُلَ الْجَلَالِ

در بیان قواعد قرائت نود و نه اسماء حسنی ۳۲۷

وَالْكَرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ
لَكَ الْحَمْدُ وَالْيُكَّ الشُّكْرُ وَأَمْتُ الْمُسْتَعَانِ لِأَحْوَالٍ وَلَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

نوع دیگر از حضرت امیرالمومنین علیه السلام مروی است آنکه
بجهت عزت نزد سلاطین و کل خلایق و تاثر در کلام دارد
هر روز این دعا را بخواند و در دست خود مدد و بر اعضای
خود بمالد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
الْكَبِيرِ فَعَالَ لِمَا يُرِيدُ يَا مَنْ هُوَ حَيٌّ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا زَا الْجَلَالِ
وَالْأَكْرَامِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

فصل در بیان قواعد قرائت نود و نه نام اسماء حسنی ۳۲۸
اول دو رکعت نماز باید که از جهت حصول مرادی که داشته
باشد در رکعت اول بعد از سوره فاتحه سه نوبت سوره اخلاص
باید خواند و در رکعت دوم بعد از فاتحه سه نوبت ایند الکرسی
که سلام باز دهند و صد نوبت صلوات بحضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله تحفه و هدیه کند و چون مکرر در اداب
تقوی و طهارت و صوم و ترک اکل حیوانی و سوختن بخور
لابق و تعیین وقت و رخصت استنار در غزایات و دعوات
و از کار و دعوت اسماء الهی از پیش اظهار کرده حاجت

به تکرار نیت غرض اعمال کلی و جزئی بدون بی شرط میسر
 نیت علی ای حال بعد از ادای صلوات شروع در نود و نه نام
 باید کرد که بکصد و بکنوبت بخواند و بعد هر مقصودی که
 داشته باشد ذکر کنند که مفید است فرضا اگر رحمة الفت
خلایق خوانده باشند در آخرش باید گفت اللهم الف محبة
 القلب الخلاق اجمعین بمرمت اسمائك الطاهرین و اگر در
 نظربك شخص معین باشد والقیة عليك محبت تا الی قلب
 فلان لجمعة منی الی تمیزن باید خواند و اگر نفوذ بالله جهت
 تفرقه خصمان باشد اللهم فرق جمع الاعداء كما فرقت بين
 الارض والسماء وایه والقیة بینهم العداوة الی آخر باید
 خواند و اگر میان دو حرام باشد باید گفت اللهم فرق بینما
 كما فرقت بين الثلج والنار و بین المشرق والمغرب بحق لا یجتمعا
 و اگر بجهت رفع بستگی و عزت حال باشد آیه رَبَّنَا افتح بیننا الی
 قوله فأنفخین یا سوره النصر باید خواند و بجهت علاج بیمار
 ایه و نزل من القرآن الی قوله للعالمین باید خواند و بجهت
 هر مهمی اینی که مناسب این باشد ذکر باید کرد و در هر مهمی
 بکصد و بکنوبت نود و نه نام را فرات باید کرد الایجهت تفریق
 و تفرع اعداء که بکصد و بازده نوبت باید خواند و آخر این سوره

فیل را قراوت کنند باین دعا یا کافی اهل الحرم من اصحاب الفیل
 و المرسل علیهم طیراً ابابیل تریمهم بحجارة من سبیل ارم من
 علیهم بالتکبیل و اگر بکثرت معین باشد باید گفت یا کافی
 اهل الحرم من اصحاب الفیل اصرف عنی شر فلان ابن فلان
 و اگر جمعی باشند اصرف عنی شر هذه الاعداء و نفا عده کلی در
 این ذکر نود و نه نام آنت که یکصد و یکنوبت بیت و هشت
 روز لا للعرض بخوانند برای اجابت روغایات و بعد ازین در
 مهمی که بیش آید بعدر همان تلاوت کنند و اگر متعذر باشد
 بعدر و سبب یا صغیر این مقصودی که باشد بخوانند که مفید است
 انشاء الله تعالی فرضاً اگر بجمعه صحت باشد عدد صحت چهار
 صد و نود و هشت و متعذر است بیک دفعه خواندن بگرینت
 دفعه و الا بعدر صغیرش باید خواند و با بعدر و سببش پنجاه
 و هفت است بیکفاده و بیکفاده بیت و یکنوبت است
 و عدد صغیرش سه نوبت اما در هر روزی که یکصد و یکنوبت
 و نود و نه را خوانده باشد بسبب مناجات هفت نوبت این
 دعا باید خواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بِاَمْقَصُورِ الطَّالِبِیْنَ
 بِاَمْرٍ اَرِ الشَّالِکِیْنَ فَرِحَ هُوْمَتَ بِفَضْلِکَ وَاَرْزَقْنَا النُّصْرَةَ
 فِی لُطْفِ دَانِکَ وَاَلْفِطْرَةَ مِنْ کَوْثْرِ صِفَانِکَ اَطْلِ اَعْمَارِنَا

رَطَّتْ عَيْشَنَا وَتَجَلَّتْ آيَاتُنَا بِفَضْلِكَ كَمَا جَلَّتْ صِدُورُنَا بِبُورِ الْإِيمَانِ
 وَاحْفَظْهُ نُفُوسُنَا مِنْ آفَاتِ الزَّمَانِ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ
 حَاكِمُ النَّشُورِ يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ وَحَاكِمَ الْبَرِّيَّاتِ وَيَا مَحْيِ الْنُفُوسِ
 الْبَالِيَّاتِ وَيَا مَحْيِ الْعُقُولِ الرَّاجِيَّاتِ وَفَقِنَا فِي طَرِيقِ الْمَجَاهِدِ
 وَأَسْقِنَا مِنْ فِرَادِ الْغَيْرَتِ مَجْنَانًا مِنْ شِرَارَةِ الْحَيْمِ وَأَدْخِلْنَا فِي
 رَوْضَةِ النِّعَمِ طَمَّئِنُّ وَوَابِنَا مِنَ الصَّغَارِ وَجَرَّابِدِنَا مِنَ الْكِبَارِ
 يَا قُدُّوسَ يَا كَافِي الْمُتَوَكِّلِينَ وَرَفَعِ الْجَبَابِ مِنْ عَيْنِي وَأَوْصَلْنِي
 إِلَى رُدَّحَانِيَّتَيْنِ وَسَمِّحْ لَهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَكَافِي الْمُتَوَكِّلِينَ
 هُنَا دُرُوبٌ مَكْرَرٌ بَائِدٌ خَوَانِدٌ كَمَا مَفِيدٌ اسْتِثْنَاءُ اللَّهِ تَعَالَى

ابضاً نوز و نه نام راجعت شفاى مريض كه اطباء از او عاجز ايند
 در طرفى چيني با غير ذالك بزعفران و كلاب و مشک بايد نوشت
 و باب صل اميخته كرده نيم كرم به بيمار بايد داد كه از اين يكصد
 و يك نوبت به بيت شفا براى بخوانند و در نوشتن سوره مباركه
 فاتحه الكتاب را به ان بايد نوشت كه مفيد است انشاء الله تعالى
 و به اعتقاد فقير المذنب المستغفر فى بحر المعاصى عبد الفنى كه نوز
 و نه نام را موافق قاعده درست نويسند و فاتحه الكتاب بمحروف
 مقطع با ترتب جناب سيد الشهداء در طرف چيني نوشته سه يوم
 ناشنا به مريض بدهند هر گاه موت حتمى نباشد به يقين شفا

خواهد یافت و به کرات تجربه شده است

فضل بنجاه سیم در بیان سیر سلوک و نصایح ابو حامد غزالی
برای یکی از شاگردانش دستور داده شده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
على خير خلقه محمد وآله الطيبين الطاهرين اعلم ان واحدا من
طلبة المتقدمين لازم خدمه الشيخ الامام زين الدين حجة الاسلام
ابى حامد محمد بن محمد الغزالي رحمه الله عليه واشتغل بالتحصيل وقرائة
العلم حتى جمع من دقائق العلوم واستكمل فضائل النفس ثم انه تفكر
يوما في حال نفسه وخطر على باله فقال انى قرأت اذاعا من العلوم
وصرفت ريبان عمرى على تعلمها وجمعها فا لان ينبغي ان اعلم
اى نوع ينفعنى فدا في الآخرة ويؤمننى في قبرى وايها لا
ينفع حتى اتركها قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اللهم انى
اعوز بك من علم لا ينفع فاستمرت هذه الفكر حتى كتبت الا
حضرت الشيخ حجة الاسلام محمد الغزالي رحمه الله عليه استفتاء
وسئل عنه سائل والنس منه نصيحة ودعاء وقال وان كان مصنفا
الشيخ كما نجاه العلوم وغيره مشتمل على جواب سائل لكن مقصودى
ان يكتب الشيخ حاجتى في ورقات تكون معى مدة هوانى واعمل بما

فيها مدة عمرى ان شاء الله تعالى فكتب الشيخ هذه الرسالة في جوابه
 بسم الله الرحمن الرحيم اعلم ايها الولد والمحب العزيز اطال
 الله بفاك بطاعته وسلك بك في سبيل احبائه ان منشور النصيحة
 يكتب من معدن الرسالة عليه الصلوة والسلام ان كان قد بلغك
 منه نصيحة فاق حاجتك في نصيحتي وان لم تبلغك فقل لي ما اذا
 حصلت في هذه السنين الماضية ايها الولد من جملة ما نضع
 به رسول الله ص امته قوله عم علامة اعراض الله تعالى عن
 العبد اشتغاله بما لا يعنيه وان امراء ذهبت ساعتهم من عمره في
 غير ما خلق له كما قال الله تعالى وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون
 جديوان بطول عليه حسنة ومن جاز الاربعة ولم يغلب خيرة
 مشرة فليتهم الى النار وفي النصيحة سهل كفاية لاهل العلم
 ايها الولد النصيحة سهل والمشكل قولها لانها في مراتب متبع
 الهوى مرآة المناهي محبوبة في قلوبهم على الخصوص من كان
 طالب العلم الرسمى مشتغل فضل النفس ومناقب الدنيا فانه
 يجب ان مجرد العلم له وسيلة سيكون نجاة ربه خلاصه فيه وانه
 مستغن عن العمل وهذا اعتقاد الفلاسفة سبحانه الله العظيم لا
 يعلم القدر انه حين حصل العلم اذا لم يعمل به يكون المحجة عليه الكد
 كما قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان اشد الناس عذابا

يوم القيمة عالم لم ينفعه الله يعلمه وروى ان جنيداً اقدس الله
 روحه العزيز روى في المنام بعد موته فقيل له ما الخبر يا ابا القاسم
 فقال قد طاحت العبادات وفتت الاشارة وما نفعنا الا الرأى
 ركعتان في جوف الليل ايضاً الولد لانك من الاعمال مفلتاً
 من الاحوال خالياً وتيقن ان العلم المجرى لا يأخذ اليد مثله لو كان
 على رجل في برية عشرة اسياف هندية مع اسلحة اخرى وكان
 الرجل شجاعاً واهل حرب حمل عليه اسد مهيب ما ظنك هل
 تدفع الاسلحة شره بلا استعماله وضربها ومن المعلوم انها لا
 تدفع الا بالتحريك والضرب فكذا لو قرأ رجل مائة الاف سنة
 علمية وتعلمها ولم يعمل بها لا تقيد الا بال العمل ومثله لو كان
 لرجل حرارة ومرض صفراوى يكون علاجه بالتكثير والكثا
 فلا يصل البرى الا باستعمالها شعر
 اكرمى دوها زار رطل بيماني تامي نخورى نباشدت شينداني
 ولو قرأ العلم مائة سنة وجمعت الف كتاب لا تكون مستعد
 الرحمة الله تعالى الا بالعمل قال النبي عليه الصلوة والسلام العلم
 شجرة والعمل ثمرتها فرحم الله من عمرها وحفظ ثمرتها وضع
 من ضيعتها وضع ثمرتها كما قال الله تعالى وان ليس للانسان
 ما سعى ومن كان يرجو لقاء ربه فليعمل عملاً صالحاً جزاءه بما

كَانُوا يَعْمَلُونَ جَزَاءَ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا إِلَّا مَن تَابَ وَ
 آمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ
 وَمَا تَقُولُ فِي هَذَا الْحَدِيثِ بِنِ الْإِسْلَامِ عَلَى خَمْسِ شَهَادَاتٍ أَنْ
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى
 الزَّكَاةَ وَصَوْمَ شَهْرِ رَمَضَانَ وَحَجَّ الْبَيْتِ مِنْ امْتِنَاعِ إِلَيْهِ
 سَبِيلًا وَالْإِيمَانَ قَوْلًا بِاللِّسَانِ وَتَصَدِيقًا بِالْجَنَانِ وَعَمَلًا بِالْأَرْكَانِ
 وَدَلِيلَ الْأَعْمَالِ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يَحْصَى وَإِنْ كَانَ الْعَبْدُ يَبْلُغُ الْجَنَّةَ
 بِفَضْلِ اللَّهِ وَكَرَمِهِ وَلَكِنْ بَعْدَ أَنْ يَسْتَعِدَّ بِطَاعَتِهِ وَعِبَادَتِهِ لِأَنَّ
 رَحْمَةَ قَرِيبٍ مِنَ الْمُحْسِنِينَ وَلَوْ قِيلَ أَيْضًا يَبْلُغُ بِمَجْرَدِ الْإِيمَانِ فَلَنَّا نَعْمُ
 لَكِنْ مَتَى يَبْلُغُ كَرَمًا مِنْ عَقِبِهِ كَوَدَّةً نَسْتَقْبِلُهُ إِلَى أَنْ يَصِلَ أَوَّلَ تِلْكَ
 الْعُقَبَاتِ عَقِبَةَ الْإِيمَانِ إِنَّهُ هَلْ يَلْمُ مِنَ السَّلْبِ أَمْ لَا وَإِذَا
 وَصَلَ يَكُونُ جَنِيًّا مَفْلُغًا قَالَ الْحَسَنُ ع يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لِعِبَادِهِ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِي وَاقْتَسِمُوا بِقَدْرِ أَعْمَالِكُمْ
 أَيُّهَا الْوَالِدُ مَا لَمْ تَعْمَلِ الصَّالِحَاتِ لَمْ تَجِدِ الْأَجْرَ حَكِيمًا أَنْ
 رَجُلًا فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ عَبْدُ اللَّهِ تَعَالَى سَبْعِينَ سَنَةً فَأَرَادَ
 اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَجْعَلُوهُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَأَرْسَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ
 مَلَكًا يَجْبِرُهُ أَنَّهُ مَعَ تِلْكَ الْعِبَادَةِ لَا يَلِيقُ بِهِ فَلَمَّا بَلَغَهُ قَالَ

العايد نحن خلقنا للعبادة فينبغي لنا ان نعبده فلما رجع الملك
وقال الهي انت اعلم بما قال فقال الله تعالى اذا هو لم يعرض
عن عبادتنا فمن مع الكرام لا تعرض عنه اشهدوا يا ملائكتي
اني قد غفرت له قال رسول الله صلى الله عليه وسلم حاسبوا
قبل ان تحاسبوا ووزنوا قبل ان توزنوا وقال علي عليه السلام
عنه من ظن انه بدون الجهد يصل فهو ممن ومن ظن انه يبذل
الجهد يصل فهو متيقن قال الحسن عليه السلام طلب الجنة بلا
عمل ذنب من الذنوب وقال الحقيقة ترك ملاحظة العمل لا ترك
العمل وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم الكبر من دان
نفسه وعمل لما بعد الموت والاحق من اتبع نفسه هواها وتمنى
على الله تعالى ايها الولد كرم ليالي اجيئها بتكرار العلم
ومطالعة الكتب وحرمت على نفسك النوم الا اعلم ما كان
الباعث فيه ان كان نيل الدنيا وجذب خطامها وتحصيل مناصبها
والباهات على القرآن والامثال فويل لك ثم ويل لك وان
فصدك كان فيه احياء شريعة النبي وتهديب اخلاقك وكسر
النفس الامارة بالسوء فطوبى لك ثم طوبى لك ولقد صدق
من قال شعر
سهر العيون لغير وجهك ضايح وبكاؤهن لغير نقدك باطل
ايها الولد عش ما شئت فانك صيت واحب من شئت

فانك مفارق واعمل ما شئت فانك مجزي به
ايضا الولد اي شئ حاصلك من تحصيل علم الكلام والاخلاق
والطب والادوية والاشعار والنجوم والعروض والنحو والنصايف
غير تضيع العمر بجلال ذي الجلال اني رايت في الانجيل لعيسى
عليه السلام قال من ساعة ان يوضع الميت على الجنازة الى
ان يوضع الى غير القبر يرسل الله تعالى بعظمته منه اربعين السؤال
اذله يقول عبدي ظهرت منظر الخلق سنين وما ظهرت منظرى
ساعة وكل يوم انظر في قلبك يقول ما تصنع بغيرى وانت
محزون بغيرى اما انت اصم لا تسمع ايضا الولد العلم بلا
عمل جنون والعمل بغير علم لا يكون واعلم ان جهلاً لا يبعدك
اليوم عن المعاصي ولا يجملك على الطاعة لن يبعدك عن ذم
نار جهنم واذ لم تفعل اليوم ولم تدارك الايام الماضية تقول
غدا يوم القيمة فارجعنا نعمل صالحا فيقال يا احمق انت من هناك
تجيب ايضا الولد اجعل الهمة في الرفع والهزيمة في النفس
والموت في البدن لان منزلك القبر واهل المقابر ينظرونك
في كل لحظة متى لقا اليهم اياك ثم اياك وتصل اليهم زاد
وقال ابو بكر الصديق رضي الله عنه هذه الاجار قفص
الطيور او اصطيل الدواب فتفكر في نفسك من اينها انت

ان كنت العلوي فحين تسمع طنين طبل ارجع من نظير صاحبك الى
ان تقصد في اعالي البروج الجنان كما قال رسول الله صلى الله
عليه وسلم اهتز عرش الرحمن من موت سعيد بن معاذ رضي الله
عنهما والبياض بالله ان كنت من الدواب كما قال الله تعالى اولئك
كالانعام بل هم اضل فلاتامن انتقالك من زاوية الدار الى
هاوية روى الحسن البصري رحمه الله عليه اعطى شربة ماء بارد
فاخذ القدح فشى عليه وسقط من يده فلما افاق قيل له
مالك يا ابا سعيد قال ذكرت امية اهل النار حين يقولون
الا هل الجنة ونادى اصحاب النار اصحاب الجنة ان افيضوا
علينا من الماء او مما رزقكم الله ايضا الولد ان كان العلم
المجرد كافيا لك ولا تحتاج الى عمل سواه لكان نداءه هل من
سائل هل من مستغفر هل من تائب ضايع فلا فائدة وروى
ان جماعة من الصحابة رضوان الله عليهم اجمعين ذكروا عن
عبد الله بن عباس عن رسول الله صلى الله تعالى عليه وسلم
وقال عليه السلام نعم الرجل هو لو كان المصلي بالليل وقال
عليه السلام لرجل من اصحابه يا فلان لا تكثر النوم بالليل فان
الكثر النوم بالليل يدع صاحبه فقيرا يوم القيمة ايضا الولد
ومن الليل فتعبد به امر يا الاسحار هم يستغفرون شراوا للستغفرو

بالاسمجار ذكر وقال عليه السلام ثلثة اصوات يجتهد الله تعالى
صوت الديك وصوت الذي يقرأ القرآن وصوت المستغفرين
بالاسمجار وقال سفيان الثوري رحمه الله عليه ان الله تبارك
وتعالى خلق ريحاً تهب وقت الاسمجار تحمل الازكار والاستغفار
الى الملك الجبار وقال ايضاً اذا كان اول الليل ينادى مناد
من تحت العرش الا ليقيم القانتون فيقومون ويصلون ماشاء
الله ثم ينادى مناد في شرط الليل الا ليقيم القانتون فيقومون
ويصلون الى السم فاذ كان السم ينادى مناد الا ليقيم المستغفرون
فيقومون ويستغفرون فاذا طلع الفجر ينادى مناد الا ليقيم القائلون
فيقومون من فروشهم كالموتى انشورا من قبورهم

١٣ ايها الولد روى في وصايا لقين الحكيم لابنه انه قال يا بني
لا تكونن الديك الكيس منك ينادى بالاسمجار وانت نائم
لقد احسن من قال شعر

لقد هتفت في جنح الليل حامة على نتي وهنا واني لنا ثم
كذبت وبيت الله لو كنت عاشقا لما سبقتنى بالبكاء المحاييم
واذ عم اتى هائم ذو صبا به لوبي ولا ابكي وتبكي البهائم

١٤ ايها الولد خلاصة العلم ان تعلم ان الطاعة والعبادة ما هي
اعلم ان الطاعة والعبادة متابعه الشارع في الاوامر والنواهي

بالقول والفعل يعني كل ما يقول ويفعل وما يعمل ويترك قوله
 وفعله يكون باقتداء الشرع كما لو صمت يوم العيد وايام التشريق
 تكون حاصياً او صليت في ثوب مفضوب وان كان صورته عبارة
 تأثم بها ايها الولد فيبغى لك ان يكون قولك وفعلك ١٥
 موافقاً للشرع اذا تعلم والعمل بلا اقتداء الشرع ضلالة وينبغي
 ان لا تغتر بالشطط وطامات الصوفية لان سلوك هذا الطريق
 يكون بالمجاهدة وقطع شهوة النفس وقتل هواها بسيف
 الرياضية لا بالطامات والترهات واعلم ان اللسان المطلق
 المهلوب الغفلة والشهوة علامة الشقاوة وحتى لا تقتل النفس
 بصدق المجاهدة لن يجي قلبك بانوار الموافقة واعلم بان
 مسائلك التي لا يستقيم جوابه بالكتابة والقول ان تبلغ تلك
 الحالة تعرف ماهي والا فلهما من المتخالة لانها ذوقى وكل
 ما يكون ذوقياً لا يستقيم وضعه بلا القول كحلاوة الحلو ومرارة
 المر لا تعرف الا بالذوق كما حكي ان غنياً كتب الى صاحب
 له ان عرفني لذة الجامعة كيف يكون فكتب في جوابه يا فلان
 ان كنت حبتك غنياً فقط الآن عرفت انك عين واحق
 ان اللذة ذوقية ان تصل اليها تعرف والا لا يستقيم وصفها
 بالقول والكتابة ايها الولد بعض مسائلك من هذا ١٦

القبيل واما البعض الذي يسقيم له الجواب فقد ذكرناه في
احياء العلوم وغيره ونذكر هنا بسمنا منه ونشير اليه فنقول
اول الامر اعتقاد صحيح لا يكون فيه بدعة والثاني توبة نضوح
لا ترجع بعده الى الزلة والثالث امتراض المخصوم حتى لا يبقى
لاحد عليك حق والرابع تحصيل علم الشريعة قدر ما تؤيدى به
او امر الله تعالى من العلوم الاخرة ما يكون منه النجاة حكى ان
الشبلي رحمة الله خدم اربعمائة استاذ وقال قرأت حديثا ثم
اخرت منها حديثا واحدا عملت به وخلت ما سواه لاني تأملت
فوجدت خلاصي ونجاتي فيه وكان علم الاولين والآخرين كله
مندرجا فيه فاكفيت به وذلك ان رسول الله صلى الله عليه
وسلم قال بعض اصحابه بقدر بقائك فيها واعلم اعمل لاخرتك
واعمل للنار بقدر صبرك عليها ايها الولد اذا عملت
بهذا الحديث لا حاجة لك الى العلم الكثير وتأمل في حكاية اخرى
وهي ان حاتم الاصم كان من اصحاب الشقيق البلخي رحمة الله
عليه فسأله يوما وقال انك صاحبني منذ ثلثين سنة ما حاصلك
فيها قال حصلت ثمانى فرائد من العلم وهي تكفيني منذ لاني ارجوا
خلاصي ونجاتي فيها فقال شقيق ما هي قلل حاتم الاصم الفوائد
الاولى انى نظرت الى الخلق فرأيت لكل منهم محبوبا ومعشوقا

يحبه ويعشقه وبعض ذلك المحبوب يصاحبه الى مرض الموت
وبعضه الى شفير القبر ثم يرجع كله ويترك فريداً وحيداً ولا
يدخل معه في قبره منهم احد ففكرت وقلت افضل محبوب
المرآء ما يدخل معه في قبره ويونس فيه فما وجدته الا الاعمال
الصالحة فاخذت بها محبوباً الى التكون سراجاتي قبري ويونس
فيه ولا يتركني فيه فريداً والفائدة الثانية رأيت المخلق
يقصدون اهواءهم ويبادرون الى مرادات النفس فقامت
الى قوله تعالى واما من خاف مقام ربه ونهى النفس عن
المهوى فان الجنة هي المأوى وتنقبت ان القرآن حق صادق
فبادرت الى خلاف نفسي وتشمرت لمجاهدتها وما استعنتها
بها حتى ارتاضت لطاعة الله تعالى وانقادت والمفائدة
الثالثة اني رأيت كل واحد من الناس يسعى في جميع عظام
الدنيا ثم يمكها قابضاً بيده فقامت قوله تعالى ما عندكم
ينفذ وما عند الله باقى فبذلت محصولي من الدنيا لوجه
الله تعالى ففرقة بين الساكنين ليكون ذخراً الى عند الله
الفائدة الرابعة اني رأيت بعض المخلق يظن شرفه
وعزه في كثرة الاقوام والمثابر فاعتز بهم وزعم اخرون
انه في كثرة الاموال وكثرة الاولاد فافتمروا بها وحسب

بعضهم الشرف والفر في غصبا موال الناس وظلمهم
 وسفك دمائهم واعتقدت طائفة انه في ائلاف المال
 واسرافه وتبذيره وتاملت في قوله تعالى ان اكرمكم عند
 الله اتقوا فاخترت للفقوى واعتقدت ان القرآن حق صادق
 وظنهم وحسابناهم كلها باطل الفائدة الخامسة انى
 رايت الناس يذم بعضهم بعضا فوجدت ذلك من الحسد
 في المال والجاه والعلم فتاملت في قوله تعالى فمن اباينهم
 معيشتهم في الحياة الدنيا فعلت ان القصة كانت من الله
تعالى في الازل فاحدثت احد ورضيت بقسمة الله تعالى
والفائدة السادسة انى رايت الناس يعادى بعضهم بعضا
 لغرض وليسب فتاملت في قوله تعالى ان الشيطان لكم عدوا
 عملت انه لا يجوز عداوة احد غير الشيطان الفائدة السابعة
 انى رايت كل احد يسعى بمجد ويجتهد بمبالغة يطلب القوة
 والعاش بحيث يقع به شبهة وحرام وينزل نفسه وينقص
 قدره وتاملت قوله تعالى وما من دابة في الارض الا على الله
 رزقا فعلمت ان رزق على الله تعالى وقد ظننت فاشتغلت
بعبادته وقطعت طمعي عن سواه الفائدة الثامنة
 انى رايت كل احد معمدا الى شئ من مخلوق بعضهم الى

در بیان سیر و سلوک ابو حامد غزالی ۲۴۳

الدنیار والدرأهم اربعض هم الى المال والملك وبعضهم
الى الحرفة والصناعة وبعضهم الى مخلوق ومثله فتاملت
في قوله تعالى ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره
قد جعل الله لكل شئ قدرا فتوكلت على الله فهو حسبي ونعم
الوكيل فقال شقيق وفقك الله تعالى اني قد نظرت التوراة
والانجيل والزيور والفرقان وجدت الكتب تدور على هذه
الفوائد الثمانية فمن عمل بها كان عاملاً بهذه الكتب الاربعة
انها الولد قد علمت من هاتين الكلمتين انك لا تحتاج الى
تكثر العلم والان ابن لك ما يجب على سالك مسيل الحق
فاعلم انه ينبغي للسالك شيخ مرشد مرب ليخرج الاخلاق
السوء منه بتربية ويجعل مكانها خلقاً حسناً ومعنى التربية
يشبه فعل الفلاح الذي يقطع الشوك ويخرج النباتات الاجنبية
من بين الزرع ليحسن نباته ويكمل زرعته فلا بد للسالك من
شيخ يريه ويرشده الى مسيل الله تعالى ارسل الى العباد
رسولاً للارشاد الى سبيله فاذا ارتحل صلى الله عليه وسلم
قد خلفه لخلفا من مكانه حتى يرشدون الخلائق الى الله تعالى
وشرط الشيخ الذي يصلح ان يكون نايباً للرسول صلوة الله
عليه وان يكون عالماً لان كل عالم يصلح له واني ابن لك

بعض علماته على سبيل الأجمال حتى لا يدعى كل احد
انه مرشد فقول من يعرض عن حب الدنيا وحب الجاه و
كان قد تابع لشخص بصيرت لسلس متابعة الى سيد المرسلين
عليه السلام وكان محسناً رياضته نفس من قلة الاكل
والقول والنوم وكثرة الصلوة والصدقة والصوم وكان
بمتابعة الشيخ البصير جاعلاً محاسن الاخلاق له سيرة كل
لصبر والصلوة والشكر والنوكل واليقين والتخاوة والقناعة
وطهارة النفس والعلم والتواضع والعلم والصدق والحياء
والوفا والوقار والتكون والتأني وامثالهما فهو اذا نور
من انوار النبي صلى الله عليه وسلم يصلح الاقتداءه ولكن
وجود مثله نادر اعز من الكبريت الاحمر ومن ساعة العادة
فيجد شيئاً كما ذكرنا وقبله الشيخ ينبغي ان يحترمه ظاهراً
وباطناً اما احترام الظاهر فهو الایجاد له ولا يشتغل بالا
حياج معه في كل مسألة وان علم خطاه ولا يلقى بين يديه
سجاراته الا وقت اداء الصلوة فاذا فرغ يرفعها ولا يكثر
الصلوة النوافل بحضرتة ويعمل ما يامر به الشيخ من العمل
بقدر وسعه واما احترام الباطن فهو ان كل ما يسمع ويقبل
منه في الظاهر لا ينكره في الباطن لا فعلاً ولا قولاً لتلايم

بالنفاق وان لم يستطع يترك صحبته الى ان يوافق باطنه ظاهره
ويحترق عن مجالسة الصاحب المسؤول بقصر ولاية شياطين الجن
والانس من ضمن قلبه فيضع عن لوثة الشياطين وعلى كل حال طينة
بخار الفقر ثم اعلم ان التصوف له فصلتان الاستقامة والتكون
من الخلق فمن استقام واحسن خلقه بالناس وعاملهم بالحلم فهو
صوفي والاستقامة ان تغدي حظ نفسه وحسن الخلق بالناس
ان لا تحمل الناس على مراد نفسك بل تحمل نفسك على مرادهم مالم
بخالفوا الشرع ثم انك سئلتني عن العبودية وهي ثلاثة اشياء
احدها محافظة امر الشرع وثانيها الرضا بالقضاء والقدر
في قسمة الله تعالى وثالثها بترك رضا نفسك في طلب رضا
الله تعالى وسئلتني عن التوكل هو ان نستحكم اعتقادك بالله
تعالى فيما وعد يعني يعتقد ان ما قدر لك سبيل اليك لا محالة
وان اجتهد من في العالم على صرفه عنك وما لم يكتب لك لن
تصل اليه وان ساعدك جميع العالم وسئلتني عن الاخلاص
هو ان يكون اعمالك كلها لله تعالى ما يرتاح قلبك بحامد الناس
ولا يتاسنى بمذاهم واعلم ان الربا يتولد من تعظيم الخلق و
علاجه ان تراخهم مسخرين لقدرة وتحببهم كالجارات في عدم
قدرة الايصال الراحة والمشقة لتخلص من مياتهم ومني

تخبرهم ذوي قدرة ارادة لن يبعد عنك الرياء ايضاً الولد
 الباقي من سالك بعضها مطروفي مصنفاتي فاطلب ثمه وبعضها
 من السؤالات التي تكلمها وكتابتها حرام ولكن اعلم انت بما
 تعلم لينكشف لك ما لم تعلم ايضاً الولد بعد اليوم لانتالي
 ما امكلك عليك الا بلسان الجنان ولو انهم صبروا حتى تخرج البهم
 لكان خيراً لهم واقبل نصيحة الخضر عليه السلام فلا تسألني عن
 شيء حتى احدث لك منه ذكراً اولاً تستعمل متى تبلغ او انه يكشف
 لك ويرى لك سائر يكيم اياتي يستعملون فلا تسأل قبل الوقت
 ويرى لك سائر يكيم اياتي فلا يستعملون فلا تسأل قبل الوقت
 وتيقن قبل الموت انك تصل الا بالسير ولم يسيروا في الارض
 فينظروا ان تسرى العجايب في كل منزل وابدل روحك فان
 راس هذا الامر يذل الروح كما قال ذو النون المصري رحمه الله
 عليه لا احد من تلاميذه ان قدرت على بذل الروح فقال والآ
 فلا تشتغل بترهات الصوفية ايضاً الولد اني انصحك بتماثية
 اشياء اقبلها حتى لا يكون عليك خصماً عليك يوم القيامة
 تعلم منها اربعة وتدع منها اربعة اما اللواتي احدها ان لا
 نظراً احد في مسألة ما استطعت لان فيها آفة كثيرة واثمها
 من نفعها كبير اذ هي منبع كل خلق كالرياء والحسد والكبر

در بیان سیر و سلوک ابراهامد غزالی ۳۴۷

والمحقد والعداوات والمباهات وغيرها نعم لو وقع مسألة بينك
وبين شخص او قوم وكان ارادتك فيها ان تظهر الحق ولا
تضيق جاز البحث لكن لتلك الارادة علامتان احديهما ان لا
تفرق بين ان يكتشف الحق على لسانك او على لسان غيرك و
الثانية ان يكون البحث في الخلاء احب اليك من ان يكون في
الملاء واسمع اني اذكرك هنا فائدة واعلم ان السؤال من المشكلات
عرض مرض القلب الى الطبيب والجواب له سعي لاصلاح مرضه
واعلم ان الجاهلين المرضى فلوبهم والعنساء الاطباء والعالم الناقص
لا يحسن المعالجة والعالم الكامل لا يعالج كل مريض بل يعالج من
يرجوا فيه قبول المعالجة والصلاح وازا كانت العلة مزمنة او
عقما يقبل العلاج فلا يشتغل بمداواته لان فيه تضيق العمر ثم اعلم
ان مرض الجهل على اربعة انواع احدها يقبل العلاج والباقي لا
يقبل اما الذي لا يقبل احدها من كان سؤله واعتراضه عن
حده وبفضه فكما تجيبه باحسن الجواب وافضه واوضحه لا
يزيد له ولك الا غيظا وحداً فاالطريقي ان لا تشتغل بجوابه

كل العداوة قد يرجى ازالتهما شعر
الاعداوة من عاداك عن حد
فينبغي ان يعرض عنه ويترك مع مرضه كما قال الله تعالى فاعرض

عن توطأ عن ذكرنا ولم يرد إلا الحيوة الدنيا والحسود بكل
 ما يقول ويفعل بوقد النار في زرع عمله والحسد يأكل الحسنات
 كما تأكل النار الحطب والثاني ان يكون عليه من الحماقة وهو
 ايضاً لا يقبل العلاج كما قال عيسى عليه السلام اني ما عجزت
 من اجاء الموتى ولكن عجزت عن معالجة ذلك رجل يشتغل
 بطلب العلم زماناً قليلاً ويتعلم شيئاً من العلوم العقلية و
 الشرعية فيسأل ويعرض من حماقة على الكبير المصطفى عن
 في العقلي والشرعي وهذا لا حق لا يعلم ان اشكل عليه هو
 ايضاً مشكل للعالم الكبير فاذا لم يفكر هذا القدر يكون مسؤله
 من الحماقة فينبغي ان لا تشتغل بجوابه والثالث ان يكون مسترشداً
 وكل ما لا يفهم عن كلام الأكا بر يجعل على فصور فهمه وكان
 مسؤله استفادة لكن يكون بليداً لا يدرك الحقائق فلا ينبغي
 الاشتغال بجوابه ايضاً كما قال النبي صلى الله عليه واله عن
 معاشر الانبياء امرنا ان نتكلم الناس على قدر عقولهم واما
 المرض الذي يقبل العلاج فهو ان يكون مسترشداً عاقلاً فما لا
 يكون مغلوب الحسد والغضب وحب الشهوات والجاه والمال
 ويكون طالب الطريق المستقيم ولم يكن مسؤله وعن حسد
 وتعت و امتحان وهذا يقبل العلاج فيجوب ان يشتغل بجواب

سؤاله بل يجب عليك اجابة والثاني مما ندع وهو ان تحذر
وتحترمن ان تكون واعظاً وتذكيراً الان اقبله كثيرة الان تعلم
بما تقول اولاً ثم تفظ به الناس فتفكر فيما قيل لسي عليه السلام
يا ابن مريم عظ نفسك فان انغظت فظ الناس والا فاستحي
ربك وان ابتليك بهذا العمل احترز عن خصلتين الاول ان تحرز
عن التكلف في الكلام بالعبارات والاشارات والطامات و
الابيات والاشعار لان الله تعالى يبغض المتكلمين والتكلف
المجاورة عن الحد يدل على خراب الباطن وغفلت القلب و
معنى التذكير ان يذكر العبد نار الآخرة وتقصير نفسه في خدمة
الخالق ويتفكر في عمن الماضي الذي افتاد فيما لا يعينه ويتفكر
بما بين يديه من العقبات من سلامة الايمان في الخاتمة وكيفية
حاله في قبضة ملك الموت وهل يقدر بجواب منكر ونكير وبهتم
بجمله في القيمة ومواقفهما وهل يعبر عن الصراط سالماً ام يقع
في الهاوية ويستمر ذكر هذه الاشياء في قلبه فيلزمه عن
زاره وغلبان هذه النيران ونوحة هذه المصائب تسمى تذكيراً
او اعلام الخلق واطلاعمهم على هذه الاشياء وتنبههم على
تقصيرهم وتفریطهم وتبصيرهم بعيوب انفسهم ليجسوا حرارة
هذه النيران اهل المجلس ونجزهم تلك المصائب لتداركو

العمر الماضي بقدر الطاقة ويتحسر وامن الايام الخالية في غير
 طاعة الله تعالى هذه الجملة على هذا الطرائق يسمى وعظا كما
 لو رأت ان السبيل قد هجم على دار احد وكان هو مع اهله فيها
 فنقول الحذر الحذر فرّوا من السل واهل بيته قلبك في هذه
 الحالة ان تخرج صاحب الدار خيرا بتكلف العبارات والنكته و
 الاشارات فلا تشتهي البتة فذلك حال الواعظ فينبغي ان تجتنب
 عنها والمحصلة الثانية ان لا يكون هتك في وعظك ان يتغير
 المخلق في مجلسك ويظهر الوجد ويشق الثياب ليقال نعم المجلس
 هذا الان كله ميل الدنيا وهو يتولد من الغفلة والرتا بل ينبغي
 ان يكون هزيمك وهتك ان تدعو الناس من الدنيا الى الآخرة
 ومن المعصية الى الطاعة ومن المرض الى الزهد ومن البخل
 الى الشخاوة ومن الفروا الى التقوى ويجب اليهم الآخرة و
 وتبفض عليهم الدنيا وتعلمهم علم العبادة والزهد لان
 الغالب في طبائهم الزينغ عن منبج الشرع والسقى فيما لا يرضى الله
 تعالى والاستشعار بالاخلاق الرذيلة فالن في قلوبهم الرعب
 فردعهم وحذرهم عما يستقبلون من المخاوف لعل صفات باطنهم
 يتغير ومعاملة ظاهرهم يتبدل ويظهر الحرص والرجبة في
 الطاعة والرجوع عن المعصية وينبغي للواعظ ان يدعوا

كل رجل قد غلب عليه الرجاء وهذا طريق الوعظ والنصيحة
وكل وعظ لا يكون هكذا فهو ويل على من قال وسمع بل قيل انه
قول وشيطان يذهب بالخلق عن الطريق ويهلكهم فيجب عليهم
ان يفرروا منه لان ما يفسد هذا القول لقائل من دينهم لا يستطع
بمثله الشيطان ومن كانت له بدو فدية يجب عليه ان ينزله عن
منابر المسلمين وعينه عن ما يباشر فانه من جملة الامر بالمعروف
والنهي عن المنكر والثالث ما تدع ان لا تخالط الامراء و
السلطانين ولا تراهم لان في رؤيتهم وبجالتهم ومخالطتهم
آفة عظيمة ولو ابتليت به ادمع عنك مدحهم وثناءهم لان
الله تعالى يغضب مدح الفاسق والظالم ومن دعا طول
بقائهم فقد احب ان يعصى الله تعالى في ارضه والرابع مما
تدع ان لا تقبل شيئا من عطاء الامراء وهداياهم وان علمت
انها من الحلال لان الطمع منهم يفسد الدين لانه يتولد
منه المداينة ومراعات جانبهم والموافقة في ظلمهم وهذا
كل فساد في الدين واقل مضرتك انك اذا قبلت عطائهم
وانتفعت من دينهم اجبتهم ومن احب احد يجب طول
عمره وبقائه بالضرورة وفي محبة بقاء الظالم ارادة الظلم
على عباده الله تعالى وازدت خراب العالم فاني شئ يكون اخر

الشيطان او قول بعض الناس لك بان الفضل والاولى ان
 تأخذ الدنيا والدرهم منهم وتفرقها بين الفقراء والمساكين
 فانهم ينفقون في الفسق والمعصية وانفاقك على ضعفاء
 الناس خير من انفاقهم فان اللعين قد قطع اعناق كثير من
 الناس بهذا الوسوسة وأفنة فاشرك كثير قد ذكرنا في احياء
العلوم فاطلبه ثم واما الاربعة التي ينبغي لك ان تفعلها
 الاول ان تجعل معاً ملتك مع الله بحيث لو عامل معك بها
 عبدك ترضى بها وللتضيق خاطر كعليه ولا تقضب وما لا
 وما لا ترضى لنفسك من عبدك المجازي لا يرضى الله تعالى
 وهو سيد الحقيقى والثاني كلما عملت علمت بالناس اجعل
 كما ترضى لنفسك منهم لأنه لا يكمل ايمان عبد حتى يجب لسائر
 الناس ما يجب لنفسه والثالث اذا فرأت او طالعته ينبغي ان
 يكون يصلح قلبك ويزكى نفسك كما لو علمت ان عمرك ما يبقى
 غير اسبوع فبالضرورة لا تشتغل فيها بعلم الفقه والمخلاق
 والاصول والكلام وامثالها لانك تعلم هذه العلم ولا تعينك
 بل تشتغل بمراقبة القلب ومعرفة صفات النفس والاعراض
 علائق الدنيا تركي نفسك عن الافلاق الزميمة وتشتغل

در بیان سیر و سلوک ابو حامد غزالی ۲۵۳

بمجة الله تعالى وعبارته والانتضات بالآوصاف المحسنة
ولا يتر على عبد يومه وليلة الا ويمكن موته فيه
ايضا الولد اسمع مني كلاما آخر وتفكر فيه حتى تجد خلاصا
لو انك اخبرت ان السلطان بعد اسبوع يجيئك زائرا اعلم
انك في تلك المدة لا تشتغل الا باصلاح ما علمت ان نظر
السلطان سيقع عليه من الثياب والبدن والدار والفرش
وغيرها والا تفكر الى ما اشرت به فانك فهم والكلام المفرد
يكفي الكيس قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله تعالى
لا ينظر الى صوركم ولا الى افعالكم ولكن ينظر الى قلوبكم ونياتكم
وان اردت احوال القلب فانظر الى الاءاء وغيره من مصنفاتي
وهذا العلم فرض عين وغيره فرض كفاية الامقدار ما يتبدى
به فرائض الله تعالى يوفقك حتى تحصيله والرابع ان لا يجمع
من الدنيا اكثر من كفاية سنة رسول الله صلى الله عليه وسلم
يعصل لبعض هجراته وقال اللهم اجعل قرة آل محمد كفاقا
ذلك لكل هجرات بل كان بعد لمن علم ان في قلبها ضعفا واما
من كانت صاحبة يقين ما كان بعد لها قرة يوم ونصف
ايضا الولد اني كنت في هذا الفصل ملتما أنك ينبغي لك
انعمل ما بها وتنا في فيه من ان ذكرني في صالح دعائك واما

الدعاء الذي سئلت مني فاطلب من دعوات الصحاح و
 اقرأ هذا دعاء في اوقاتك خالصاً لعقاب الصلوة هذا
 الدعاء مروى عن اهل البيت وقد عمل طريق اهل البيت و
 رضوان الله تعالى عليهم اجمعين ورضي اولياد الله والعلما
 الراسخون بالمدائمة عليه بكرة واصيلاً والدعاء هذا اللهم
 اني اسئلك من النعمة تمامها ومن العصمة دوامها ومن الرحمة
 شمولها ومن العافية حصولها ومن العيش ارغده ومن العمر
 اسعده ومن الاحسان اتمه ومن الانعام اعمه ومن الفضل
 اعذبه ومن اللطف انفعه اللهم كن لنا ولا تكن علينا اللهم
 اختم بالتعارة آجالنا وحقق بالريادة اماننا واقرن بالعافية
 عدونا واصالنا واجعل الى رحمتك مصيرنا وما لنا اصيب
 سبجاً لا عفوك على ذنوبنا ومن علينا باصلاح عيوبنا واجعل
 التقوى زادنا وفي دينك اجتهادنا وهليك توكلنا واعتمادنا
 اللهم ثبتنا على نهب الاستقامة واعدنا في الدنيا من موجبات
 الندامة يوم القيمة خفف عنا ثقل الاوزار وارزقنا عيش
 الابرار واكفنا واصرف عنا شر الاشرار واعتق رقابنا ورقاب
 ابائنا وامهاتنا واخواننا من النار يا عزيز يا غفار رحمتك
 يا ارحم الراحمين تمت هذه الكتاب بعون الملك الوهاب

در بيان فوائد معرفة اسرار توحيد

منتقى من المجموعة المخطوطة الموجودة في مكتبة صدقنا العلامة
 الحاج السيد مهدي الحسيني الأجردي دام طله العالی: فصل پنجاه و چهار
 هذا الكتاب المكنون والسر المحزون من الجواهر في اصداف حروفه
 ومن العجايب في عميق بحره وها انشاء الله تعالى اذكر في هذا المنهج
 الواسع والمنهج الجامع وبعض اسرار القرآن العظيم والذكر الحكيم
 قول وبالله التوفيق ومنه الكشف المحيقي وقال العارفين بسم الله
 بمنزلة كن منه ولها مربع عظيم القدر في التصريف وهذا حسن
 الطريق في وضعه وفيه منافع جليده من تيسر العيرة ونفود
 الكلمة في الاسباب وقال حسين بن علي عليه السلام من احسن

واحد	اول	فيوم	الله
سيد	جيب	عطوف	مالك الملك
واحد	مانع	جواد	احد
قدير	قوى	ملك	مجيد
هادي	رهاب	منعم	صمد
والي	مويد	بدیع	صادق

كتابة بسم الله الرحمن الرحيم
 دخل الجنة وعن ابي سعيد
 الخدری قال سمعت ابن
 عباس يقول لكل شيء

اساس واساس الكتب قران واساس القران الفاتحة واساس
 الفاتحة بسم الله الرحمن الرحيم فاذا اشتكيت او اعتلت فعليك
 بالاساس تشفى انشاء الله تعالى ومن ذكر بسم الله الرحمن الرحيم
 ٧٥٧ مرة على اى طلم شاء وهو ناظر لهذا المربع ابطاله
 لوقته ومن تلا البسملة العدد المذكور ثم صلى على النبي صلى

الله عليه واله ١١٥ مرة فانه لا يزال الله تعالى شياً الا اعطاه
اباه فان واضب على ذلك يكون مجاب الدعوة وقال الشيخ الرزين
الدين الكافي من ذكر بسم الله الرحمن الرحيم ١٥٠ مرة اطلع الله
على اسرار العلوم وبواطن حقايقها فافهم ذلك والله يقول الحق
وهو يهدي السبيل وقال ابو العباس احمد البوني من اكثر من
ذكر بسم الله الرحمن الرحيم رزق المهيبة من العالم العلوي
والتفلي ومن علم ما اودع الله تعالى فيها من الاسرار وكتبها
لمجرب بالنار وفيها مرام اسم الله الاعظم وهي اول ما خطه
العلم العلوي على الصغ اللوحى وهي التي اقام الله بها ملك
سليمان وبها اقام الله شجرة الاكوان واظهر بها اسرار المكنون
الملوان ومن رسم بسم الله الرحمن الرحيم على هذه الصورة
بسم الله الرحمن ومعها صورة الرحمن بطنى حر النار بها ومن
كتبهاى بطافه وعلقها على من به وجع الضرس وذلك بشرط
ان يعلقها على الاذن من ذلك الجانب فان الوجع يسكن باذن
الله تعالى وروى عن عبد الله عمر انه قال من كانت له حاجة فليصم
الاربعة والخميس والجمعة ويصدق بصدقة قلت او كثرت ما بين
الرفيف الى دون ذلك وما اكر فهو افضل فاذا صلى الجمعة قال
اللهم انى اسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم الذى لا اله الا

در بيان خواص بسم الله الرحمن الرحيم ٢٥٧

الْاَهُوَ الْحَى الْقَبُومُ الَّذِى لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ وَأَسْأَلُكَ
اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِى لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِى بَلَغَتْ
عَظَمَتُهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الَّذِى لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الَّذِى عَنَتَ لَهُ الرُّجُومُ وَخَشَعَتَ لَهُ الْأَبْصَارُ
وَوَجَلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خَشْيَتِهِ إِنْ تَصَلَّى عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَإِنْ تَعْطِنِ حَاجَتِي وَهِيَ كَذَا أَوْ كَذَا أَوْ كَذَا أَوْ كَذَا يَقُولُ لَا تَعْلَمُهَا سَمْعًا
فِي دَعْوَاهُمْ عَلَى بَعْضِ نَبِيَّاتِهِمْ وَيَنْتَظِمُ مِنْ حُرُوفِ بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تِسْعَةَ عَشْرًا سَمَاءً بَعْدَ حُرُوفِهَا وَهِيَ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ
الرَّبُّ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّبُ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ الْبَارِئُ
الْمُبِينُ الْحَسَنُ الْمَلِكُ الرَّاحِمُ الْحَسِيبُ الْقَوِيُّ مِنْ وَضَعِ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ
الشَّرِيفَةِ فِي مَرْبَعٍ ١٩ فِي ١٩ لِأَسْأَلَ اللَّهَ تَعَالَى شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ
اللَّهُ مَا سَأَلَ فِيهِ اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ وَيَبْتَغِي أَنْ يَكُونَ وَضَعُهُ فِي
لَيْلَةِ ١٩ فَذَلِكَ أَبْلَغُ وَعَنْ عَثْمَانَ ابْنِ عَفَّانٍ أَنَّهُ سَأَلَ النَّبِيَّ ﷺ
عَنْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَقَالَ هُوَ اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ وَمَا بَيْنَهُ
وَبَيْنَ اسْمِ اللَّهِ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرَيْنِ سَوَادِ الْعَيْنِ وَمِثْلُهُمَا مِنَ الْقُرْبِ
وَرَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ أُنزِلَتْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
عَلَى إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ فَلَهَا وَهِيَ فِي كَفَّةِ الْمُرْتَبِقِ فَجَعَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ

برداوسلاماً وحكى عن الاوزاعي انه قال تخيل لي في الليل فرغت
 منه فقلت بسم الله الرحمن الرحيم فقال لقد استقدمت بعظيم
 وانصرف عني وقيل ان كل حرف من حروف بسم الله الرحمن الرحيم
 هو مفتاح اسم من اسمائه فالباء مفتاح اسمه بصير والسين
 مفتاح سميع والميم مفتاح اسمه ملك والالف مفتاح اسمه
 الله والام مفتاح اسمه لطيف والها مفتاح اسمه هادي والراء
 مفتاح اسمه ذراري والحاء مفتاح اسمه حنان والميم مفتاح
 اسمه معطي والنون مفتاح اسمه نور والالف اسم مفتاح
 اسمه الله والراء مفتاح اسمه روف والحاء مفتاح اسمه حكيم و
 والياء مفتاح اسمه يقضي والميم مفتاح اسمه مانع وهذه كلها
 دعاء الله تعالى عند افتتاح كل شئ ومن جميع بين الحرفي والعدوي
 في مربع واحد راي من فعل الله به ما يعجز الاوصاف عنه ومن

بسم	الله	الرحمن	الرحيم
١٨٩	٢١٣	١٩٩	١٩٤
حن	بسم	الله	الرحمن
٢٠	١٩٠	١٩٠	٢٠٢
الله	الرحمن	الرحيم	بسم
١٩٣	١٩٧	٢٠٥	١٩١
الرحمن	بسم	الله	الرحمن
٢٠٣	١٩٣	١٩٢	١٩١
الرحمن	الله	بسم	الله

عرف قدره استغنى به عن
 غيره فان فيه اسم الله الاعظم
 وهذه صورة وضعه كما
 ترى فافهم ترشد ولو شرعنا
 في بسط ما احتوت عليه
 بسم الله الرحمن الرحيم

من العجايب واللطائف والغرائب والمعارف لضاق الوقت
 عن ذلك ايضاً لا يبح القدر في هذا الزمان بشئ من الامرار
 الصمدانية لانه لا يليق بالوقت الذي صنعنا فيه
 هذه الروضة الزهرجديّة والدوحة الزمردية قال ابن عباس
 رضي الله عنهما اخذ بيدي علي بن ابي طالب فخرج بي الى البقيع في اول الليل
 وقال اقرأ يا ابن عباس قال فقرأت بسم الله الرحمن الرحيم
 فتكلم لي في الباقى فخرجت الفجر فافهم ذلك والله يوتي الحكمة من
 يشاء والله ذو الفضل العظيم قال صلى الله عليه واله اعطيت
 فاتحة الكتاب من تحت العرش وعنه صلى الله عليه واله وسلم انه
 قال من اتى بمنزله فقرأ سورة الفاتحة والاخلاص نفى الله عنه
 الفقر وكثر خير بيت در قال فاتحة الكتاب شفاء من كل داء واعلم
 ان من فهم سر الحمد اول الكتاب العزيز التي هي السبع المثاني فهم
 سر الحمد في الجنة ويتصل حد الكتاب بحمد الجنة وقال علي بن
 ابي طالب عليه السلام لو شئت ان اوقرا من تفسير الفاتحة سبعين
 بعير لفعلت وقال بعض الاكابر في هذه السورة الف خاصيته
 ظاهرة والف خاصية باطنه وقال مسلمة بن قاسم بن ابراهيم
 ام الكتاب هي راس القران وعماره وفيها خسة اسماء وهي التي
 شرف الله تعالى بها هذه السورة على غيرها من السور وفيها

اسم الله الاعظم الكبير الاكبر الذي اذا دعى به اجاب واذا
 مثل به اعطاه وهذه الاسماء الشريفة قال اهل العلم بالله
 انها في اول لوح المحفوظ كما هي في قول القران وهي مكتوبة
 في سرادق العرش والكرسي وكلما نعتت الى حروف المعجم
 والى فواتح التور و عدد حروفها ١٣٢ حرفاً وذلك على
 اسم صلى الله عليه واله محمد فحمد الف الابديار واحد حمزتها
 فحمد عبد الله واحد عبد الرحمن لطيفه الشهره تسعة و
 عشرون يوماً والثلاثون تارة تبت وتارة لا تبت لانها في
 مقابلة امين اذ هي مندرلاً واجبه وافهم واوالعطف في
 الحمد لله هي قطب دايرتها ومجراستدارتها اذ هي التصفيف
 العددي الحرفي والتصفيف الالكلي لانها تثير الى مقام
 الولاية اذ هو اشرف المقامات لانه باطن النبوة وهي مركبة
 من احد وعشرون حرفاً وقد سقط منها هذه الاحرف
 السبعة وهي ث ج ح ز ش ظ ف فيها لايسموا بواو افظ
 الفاتحة وانزل في الكتاب الاول ان من قراء سورة برؤية
 من هذه الاحرف السبعة التي هي ادنى حرم الله عليه النار
 وقد جمعوا في اثنين كريمين في سورة الانعام قال الشيخ
 ابو العباس احمد البوني واما الاحرف الساقطة فانها

امان من الظلمة فافهم ذلك والله يقول الحق وهو يهدي
 السبيل قال بعض العلماء والعارفين من كتب سورة الفاتحة
 في جام زجاج بقلم من ذهب في الاول من يوم الجمعة بمسك وكافور
 ومحاه بنام ودهد وجعله في قارورة ومسح وجهه به وقت دخوله
 على الملوك والامراء والاكابر والوزراء فانه ينال القبول والهيبة
 باذن الله تعالى والله موفق قدمت هذا الكتاب في يوم الاربعاء
 سابع محرم الحرام سنة ١٣٠٤ بيد اقل القبار الشيخ جيب بن موسى الرضا
 الافشاري اروميه اي الغني وقد كتبت هذا الكتاب في ثلاث سنوا



بسمه تعالى

سپاس بی نهایت خداوند یگانه ای را سزاوار است که بیزوی بدست آورده
 نادرانسنی ها را از دانشنی هادر نهاد افرار بشر قرار داد در درنا محدود بر
 بهزین موجودات پیغمبر خاتم النبیین محمد صلی الله علیه واله و خاندان گرامی او بار
 و بعد جناب مستطاب آقا شیخ جیب دانشمند محترم فرزند شیخ موسی بن شیخ نظر علی
 (یکی از دانشمندان علوم غربیه) افشاری ارومیه ای نزدیک به نجاه سل است
 که در کتابخانه های کثورهی مختلف (ترکیه و مصر و عراق و هند و ...) در جنبوی
 نسف های خطی از علوم مالوفه و غربیه (جفر - رمل - اعداد - حروف - اوقاف
 - طلسمات - طب - فتومات - و خواص نور و آیات قرآنیه - احضار و تسخیر
 و غیره) بوده و ناچاراً قریب بیست جلد کتاب در علوم غربیه بکوشش با حفظ خود زین
 و بذل مال و چاپ منتشر کرده است و خداوند عالم توفیق بیشتری نصیب ایشان فرموده
 که کتکول جامعی ترتیب دهد در دسترس طالبین علوم غربیه قرار داده اند امید میرود از کسانی
 که میخواهند عملاً از این اثر استفاده کنند جهات شرعی را فراموش نفرمایند تاریخ ۱۵ محرم الحرام ۱۳۰۴
 الاحقر مهدی لاجوردی

فهرست

صفحه	
۲	دربیاچه کتاب و مقدمه
۳	فصل الاول در بیان فضیلت علم
۸	فصل الثاني در فضیلت ازکار وادراورد عا.
۱۷	فصل الثالث سیم در بیان اعداد حروف و اوقاف
	فصل رابع چهارم در بیان طریق استخراج از جام
۴۸	سخن کوی
۶۱	فصل الخامس پنجم در بیان اعداد و اقلام طلسمات
۹۴	فصل سادس ششم در بیان خواص اسماء برای جمیع حوائج
۱۰۶	فصل السابع هفتم در بیان غزائم و خانم الشریف
۱۰۹	فصل الثامن هشتم در بیان جهت فتوحات حوائج مهمه
۱۱۲	فصل التاسع نهم در بیان خواص دفتق بعضی از اسماء
۱۱۳	فصل عاشر دهم در بیان طریق دفتق اسماء
۱۱۳	فصل الحادی عشر یازدهم در بیان کسی که ازکار و مشغلی و عمل قبضی پیدا شده باشد
۱۱۴	فصل ثانی عشر دوازدهم در بیان عمل قری بردفتق برای جمیع حوائج

صفحه	فهرست
۱۱۵	فصل الثالث عشر یزدم در بیان خواص مربع و قوا اید آن
۱۱۶	فصل الرابع عشر چاردم در بیان قضاء جمیع حوائج مشکله
۱۱۷	فصل الخامس عشر ۱۵ در بیان بعضی حوائج مهمه
۱۱۸	فصل السادس ۱۶ برای اطلاع حوائج در عالم روایا و اطلاع بان دهند در عالم ریاء
۱۱۸	فصل السابع عشر در بیان خواص سورة فاتحة الكتاب
۱۱۹	فصل الثامن عشر ۱۸ در بیان خواص سورة والمکم الله واحد برای قضاء حوائج در مربع آن بر وفق
۱۲۰	فصل التاسع عشر ۱۹ در بیان وفق آية الهمکم الله واحد
۱۲۱	فصل ۲۰ در بیان آواره شخصی نامناست
۱۲۲	فصل ۲۱ در بیان شناختن بروج و ايضا ذلک الذی فی فائضة الدجا جه و فاندان
۱۲۳	فصل ۲۲ در بیان عزائم مهمه
۱۲۴	فصل ۲۳ در بیان طلسمی که محبت میاورد
۱۲۵	فصل ۲۴ در بیان شرح خافیه فمزی و قواعد آن
۱۴۲	فصل ۲۵ در بیان جلب شخص که میخواهد
۱۴۳	فصل ۲۶ در بیان اطلاع از احوالات ابد و خود

صفحه	فهرست
۱۴۳	فصل ۲۷ در بیان ختم سوره ام الكتاب
۱۴۴	فصل ۲۸ در بیان خواص سوره فاتحه الكتاب
۱۴۴	فصل ۲۹ در بیان صلوة سيف القاطع واسرار خفيه
۱۵۷	فصل ۳۰ در بیان غالب و مغلوب
۱۶۰	فصل ۳۱ در بیان شرف الكواكب
۱۶۰	فصل ۳۲ در بیان بروج و كواكب
۱۶۳	فصل ۳۳ در بیان شناختن كياه كيميا و اكبر
۱۶۸	فصل ۳۴ در بیان عمل اكبر و علم كيمياء
۱۷۰	فصل ۳۵ در بیان در عمل قمری
۱۷۲	فصل ۳۶ در بیان شناختن خطوط و اقلام و اقسام آن
۱۹۱۰	فصل ۳۷ در بیان علم رمل
۲۰۱۰	فصل ۳۸ در بیان علم نقطه رمل
۲۰۴	فصل ۳۹ و ۴۰ در بیان سؤال و جواب از علم حروف
۲۰۵	فصل ۴۱ در بیان سؤال و جواب در علم جفر و طلسم آن
۲۰۸	فصل ۴۲ در بیان معرفت علم ببط
۲۰۸	فصل ۴۳ در بیان معرفت علم طب قدیم و فوائد آن
۲۱۹	فصل ۴۴ در بیان اداب از دواج و فوائد آن و در فوائد قوه باه و بعضی از جوابات و معاجین و دهنات

صفحه	فهرست
۲۵۰	فصل ۴۵ در بیان کسی که خواهد از آینده خود مطلع باشد از احوال نفع و ضرر خود را معلوم کند
۲۵۱	فصل ۴۶ در بیان قواعد صدیقی از جفر جامع
۲۶۸	فصل ۴۷ در بیان قاعده یا اخبار از ضمائر
۲۷۱	فصل ۴۸ در بیان کسی آینده خودش را بداند
۲۷۲	فصل ۴۹ در بیان قواعد فرائد سوره فاتحه الكتاب
۲۷۴	فصل ۵۰ در بیان حروف الثمانیه والعشرون فی عمل الشقیار للقرالی و غزائم ان
۳۰۷	فصل ۵۱ در بیان احضار ایندوان بر چند قسم است
۳۰۸	و ایضا قسم دیگر در احضار
۳۰۹	و در تسخیر ارواح و بیان اعمال متفرقه
۳۰۹	نوع دیگر تسخیر جن و ریاضیت آن مفصل است
۳۱۰	ایضا نوع دیگر طریق خواند آب نور
۳۱۰	ایضا دعوت اسم باسط
۳۱۱	ایضا در بیان ختم سوره یس و خواص آن
۳۱۲	ایضا ختم حضرت خضر ۳۴
	ایضا در بیان قضاء حاجت مشروع اسم اعظم

صفحه	فهرست
۲۱۲	وایضاً بجهت مطالب عظیمه
۲۱۳	وایضاً نوع دیگر
۲۱۳	وایضاً ذکر یافتار برای کشایش کارها
۲۱۴	وایضاً ذکر باوهاب بجهت توانگری و حصول المطالب
۲۱۴	وایضاً برای برآمدن حاجات
۲۱۵	وایضاً یافتن دردی که برده شده است
۲۱۵	وایضاً برای برآمدن حاجات عمده
۲۱۶	وایضاً برای یافتن و کشف شد از علم و مفیبات و نور در قلب
۲۱۶	وایضاً لریق ختم آبه مبارک نور بجهت کشف علوم غامضه
۲۱۸	وایضاً لریق نماز حاجت
۲۱۹	وایضاً در بیان نگاه داشتن این طلسم برای جلب قلوب
۲۱۹	وایضاً که خواهد امر پنهانی آگاه شود
۲۱۹	وایضاً جهت دیدن مقصود خود در خواب
۲۱۹	وایضاً جهت اخراج کردن کسری
۲۲۰	وایضاً جهت فتح هیچ بستیکها و فوهمات کلیه و جریبه
۲۲۰	وایضاً بجهت ظهور کم شده و آمدن غایب و عاقبت ان
۲۲۱	وایضاً بجهت تسخیر و جهت دفع اللسان